



حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-communist Party of Iran

انترناسیونال

۳۵۰

جمعه ۷ خرداد ۱۳۸۹، ۲۸ مه ۲۰۱۰

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم جنبش
بازگرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

www.m-hekmat.com

جمعه ها منتشر میشود

Fax: 001-519 461 3416 anternasional@yahoo.com

سردبیر: کاظم نیکخواه



در سالگرد تظاهرات میلیونی خرداد ماه و آغاز انقلاب مردم ایران، پر توان باد مارش انقلاب علیه جمهوری اسلامی!

سالگرد تظاهرات میلیونی
مردم در تهران و سایر شهرها در
خرداد ۸۸ فرا میسرشد.
اعتراضاتی که در واقع فوران
خشم ۳۰ ساله مردم ایران علیه
جمهوری اسلامی بود و جلوه
های شکوهمندی از عزم و به
صفحه ۲

سر سخن انقلاب و ضد انقلاب



کاظم نیکخواه

به سالروز آغاز خیزش عظیم توده ای
علیه جمهوری اسلامی رسیده ایم. خیزش
مردمی که به امید خلاص شدن از شر
حکومت اسلامی شجاعانه و فداکارانه گام
به میدان گذاردند و حماسی ترین صحنه ها
را در برابر لشکر تا دندان مسلح و بی رحم
حکومت خلق کردند. یک سال از شروع این
حرکت عظیم هنوز جمهوری اسلامی
سریاست. میگویند این انقلاب نبود.
میگویند این خیزش و فتنه یک جناح
حکومت بود. میگویند شکست خورد و
تمام شد. این ها را جناح حاکم و خامنه ای
و امام جمعه هایش میگویند. اما فقط
حاکمین نمیگویند. یک مشت محافل
ورشکسته سیاسی نیز آنها را تکرار
میکند. هردو سو یعنی هم حاکمین و هم
جریانات شکست طلب ضد انقلاب و چپ
نما، از ابتدا و حتی در اوج تظاهرات هر
روز که گذشت گفتند تمام شد. امروز دیگر
نعره هایشان بلند شده است. هر دو سو
مصالحی در شکست این جنبش و حرکت
مردم داشتند و دارند. هر دو سو نگران
پیشروی این حرکت بودند. یکی ادامه
حرکت مردم را به معنای سرنگونیش
میدید و یک طرف سرنگونی حکومت با
قدرت مردم و تظاهرات میلیونی را به
معنای شکست تئوریا و سیاستهای راست
و به بن بست رسیده اش میدید. گفته بودند
جمهوری اسلامی تشبیه شده است و
متعارف میشود و تمام محاسبات و
سیاستهایشان نقش بر آب شده بود و
صفحه ۲

بحران "بدحجابی"، خنده و کفشی های نوک تیز!

مانکن های خیابانی و مزاحمان
نوامیس در محلات را از اولویت
های کاری پلیس در سال جاری
برشمرد. برخورد با این سه معضل
البته جدای از برخورد همیشگی
با بدحجابی است که به گفته
ساجدی نیا همیشه وجود داشته و
صفحه ۳

هادی وقتی

"سردار ساجدی نیا"، رئیس
پلیس پایتخت ایران هفته گذشته
در گفتگویی با خبرنگاران پرده از
باصطلاح جزئیات "طرح جدید
امنیت اخلاقی" برداشت و سه
معضل سی دی های مستهجن،

سپاه پاسداران یک مافیای اقتصادی

ماهانه مبلغ پنجاه میلیون دلار به
پیمانکاران پارس جنوبی خبر داد.
طبیعی است که این مبلغ به
بزرگترین و اصلی ترین پیمانکار
یعنی قرارگاه سازندگی خاتم
الانبیا وابسته به سپاه پاسداران
بگیرد که در حال حاضر با داشتن
صدها پروژه عظیم به بزرگترین
صفحه ۱۲

بهروز مهر آبادی

در روزهای اخیر رسانه ها از
واگذاری قراردادهای پروژه های
صنایع نفت و گاز به ارزش بیش از
۱۰ میلیارد دلار به سپاه پاسداران
تا پایان تابستان امسال خبر
دادند. روز پنجم خرداد معاون
احمدی نژاد خبر از پرداخت جایزه

زردها، سرخها، تایلند به کدام سو میروند؟!

میکنند موج اعتراض
وتظاهراتهای خیابانی و جنگ و
گریز درمقابل تهاجم نیروهای
نظامی در مراکز اصلی شهر
بانکوک، فروکش کرده است.
صفحه ۸

سیامک بهاری

طی هفته های اخیر بانکوک
پایتخت ده میلیونی تایلند شاهد
تظاهرات میلیونی و پس از آن
سنگیندی های خیابانی و جنگ
داخلی بود. دولت تایلند ادعا

شیشه عمر رژیم اسلامی را بر زمین بکوبیم! همه جا علیه حجاب و آپارتاید جنسی اعتراض کنید!

تا مگر با نعره کشیدن علیه "بد
حجابی" و با حمله به زنان و مردان
برای حفظ و تحمیل حجاب و
آپارتاید جنسی، اعتراضات و
انقلاب شما را به عقب برانند و چند
صباحی بر عمر ننگین جمهوری
اسلامی بیفزایند. اما این دقیقا
در سراسر کشور به حرکت درآمده اند
صفحه ۳

زنان و مردان آزاده!

جمهوری اسلامی غرق در بحران
و بن بست، برای مقابله با انقلاب و
مبارزه شما دست به هر تقلایی
میزند و به هر جنایتی متوسل
میشود. این روزها امام جمعه های
حکومت، نیروی انتظامی و حراست
در سراسر کشور به حرکت درآمده اند

تظاهرات در ژنو در همبستگی با مبارزات کارگران

و جنبش انقلابی مردم

پاسخی به کامنت های اینترنتی
اصغر کریمی
صفحه ۶

بازتاب هفته

مهاجرت یا هزیمت علمای اسلام
عوامفربانی که سرنگون میشوند
کاریکاتور مفلوک
یاشار سهندی
محمد شکوهی
غلام اکبری

صفحات ۴-۵

در صفحات دیگر

فراخوان مادران و زنان ایرانی برای تحصن علیه اعدام
چند خبر از اعتراضات کارگری در ایران
اگر من اینکار را در ایران می کردم ممکن بود اعدام شوم... ص ۹
پیام دوم مادر فرزند کمانگر
اطلاعیه هایی از کمیته بین المللی علیه اعدام
صفحه ۷
صفحه ۹-۱۱
صفحه ۱۲
صفحه ۱۱

در سالگرد تظاهرات میلیونی ...

از صفحه ۱

میدان آمدن میلیونها انسان برای تحقق خواستههایشان و عقب راندن يك رژيم سرکوبگر و جنایتکار را به نمایش گذاشت. جهان در ستایش و حمایت از این تلاش عظیم و انسانی به شوق آمد و بپا خاست. تصاویر وارونه ای که سالها میدیای رسمی کوشیده بود از جامعه و مردم ایران بسازد یکشنبه فروریخت. معلوم شد که "ایران يك جامعه اسلامی نیست" و مردم ایران برای بهترین دستاوردهای بشری به شیوه ای مدرن و در منتهای تمدن مبارزه میکنند. وحشیگری و سببیت اوباش اسلامی حاکم در مقابل جسارت، فداکاری و انسانیت زنان و مردانی که برای بدست گرفتن سرنوشت خود بپاخاسته اند، سران جمهوری اسلامی را به "دیکتاتور سال" و ندا آقاسلطان را به قهرمان جهان تبدیل ساخت. علیرغم تفاسیر بی مایه و تلاش مضحک ژورنالیسم نوکر خیلی

متعدد از جمله اول ماه مه امسال و اعتصاب عمومی در کردستان به فراخوان کمیونستها و مبارزه جانانه مردم علیه اعدام ها حاکی از آنست که انقلاب کماکان چپ تر و رادیکالتر میشود و برای یورش زیر و رو کننده تر علیه جمهوری اسلامی تجدید قوا میکند.

دقیقا در وحشت از برخاستن موج دوم و پرقدرت تر انقلاب است که رژیم اسلامی با نزدیک شدن سالگرد تظاهرات میلیونی در هفته آخر خرداد به تقلا افتاده و علیه "بدحجابی" نعره میکشد و چوبه های دار برپا کرده است. روزهایی چون ۲۲ خرداد (روز شروع تظاهرات های میلیونی)، ۲۵ خرداد (روز حمله جنایتکارانه به کوی دانشگاه) و ۳۰ خرداد (روز به قتل رساندن ندا و تعدادی دیگر در تهران) وقایعی است که جهان به خوبی بخاطر دارد و میلیونها نفر را در ایران و خارج از ایران به حرکت در خواهد آورد.

حزب کمونیست کارگری همه

فرصت سالگرد روزهای تاریخی خرداد ۸۸ استفاده کرد و انقلاب را هرچه متشکل تر و متعین تر به پیش راند. باید درسهای ماه اخیر را یادآوری کرد و بویژه تلاشهای جناح مغلوب و اپوزیسیون طرفدار رژیم برای محدود کردن اعتراض مردم در چهارچوبه نظام اسلامی را تماما افشا و رسوا کرد. باید به همه دنیا نشان داد که انقلاب کنونی تا سرنگونی کل جمهوری اسلامی و تحقق آزادی و برابری و رفاه و حرمت انسان از پای نمی نشیند. ما دست همه زنان و مردان آزاده و همه نیروهای سیاسی علیه جمهوری اسلامی را به گرمی میفشاریم و در جهت شکل دادن به مارش هرچه قدرتمند انقلاب در روزهای پایانی خرداد با تمام قوا میکوشیم.

زنده باد انقلاب انسانی
حکومت انسانی
سرنگون باد جمهوری اسلامی
زنده باد جمهوری سوسیالیستی
حزب کمونیست کارگری ایران
۶ خرداد ۱۳۸۸، ۲۷ مه ۲۰۱۰

انقلاب و ضد انقلاب ...

از صفحه ۱

میبایست بساطشان را جمع میکردند. اما امروز؟ امروز که خیابانها دیگر صحنه تظاهراتهای میلیونی و مرگ بر دیکتاتور نیست آیا این دو جبهه ضد انقلاب به وصال خویش نرسیده اند؟ آیا جمهوری اسلامی این موج را رد نکرده است؟ آیا خامنه ای و شرکای در قدرت حق ندارند که جشن بگیرند؟ آیا آن جبهه ضد انقلاب در اپوزیسیون حق ندارد غش و ریسه رود و نفس راحتی بکشد؟

اگر حتی به فرض محال حرکت يك جامعه شصت هفتاد میلیونی را در همین نقطه کنونی متوقف کنیم و فرض کنیم همه چیز در این نقطه تمام شده است و به عقب برگردیم و به يك سال گذشته نگاه کنیم بازهم باید از اینکه در سال ۸۸ انقلابی برای به زیر کشیدن حکومت اسلامی در ایران به جریان افتاد سخن بگویم. انقلاب حرکت توده ای برای به زیر کشیدن يك حکومت است. آنچه در ایران ۸۸ به جریان افتاد حرکت مردم زحمتکشی بود که سالها بود فریاد سرنگونی شان را با شورهای شهری، جنبش های زنان تشنه آزادی، اعتصابات کارگری، تظاهراتهای دانشجویی و در کوچه و خیابان با ایستادگی در برابر تمام قوانین و خط قرمزهای

حامیانش پیوستند. ساده ترین انتظار از هر جریان و نیرو و شخصیت سیاسی ای که بویی از رادیکالیسم و کمونیسم و انسانیت برده باشد این بود که بدون ذره ای تردید از این جنبش پشتیبانی کند و برای پیشروی آن تلاش کند. گفتم اگر حتی امروز همه چیز را به پایان رسیده فرض کنیم که این يك فرض محال است، ما کسانی که از این جنبش به هیجان آمدیم و تلاش کردیم این حرکت را با مجهز کردنش به خواستههای رادیکال و آزادیخواهانه و مدرن و چپ تقویت کنیم، به خود و به این مردم افتخار میکنیم و این را برگ ذرینی در کارنامه خویش می بینیم و تردیدی نداریم که هر کارگر و انسان آزاده ای به این برهه از تاریخ و نقش ما کمونیستها به همین گونه نظر خواهد کرد. اما آنان که مردمی را که سالهاست برای سرنگونی حکومت قهرمانانه جمال میکنند به عنوان پادوان يك جناح مفلوک حکومت معرفی میکنند، و سر پا ماندن حکومت را نشانه صحت سیاستهای خویش می بینند، از جانب هر ناظر بی طرفی در کنار آبرویا ختگان مدافع حکومتی می بینند، از جانب هر ناظر يك حکومت کثیف و منفور و ضد تمام ارزشهای انسانی قضاوت میشوند و جامعه انسانی آنها را تف خواهد کرد. هم جمهوری خبیث اسلامی و هم حامیانش در

ضد سرمایه بود. ادامه جنبش آزادی و برابری در دانشگاهها بود. ادامه شورش مردم به فقر کشیده بود و ادامه حرکت پیوسته کارگران برای دست یابی به زندگی انسانی بود. این جنبش و این انقلاب به این مفهوم چپ بود و رهبری داشت. اما توقف و مکث امروزش دقیقا از این روست که چنین انقلاب و جنبشی نمیتوانست با شخصیتهای کپک زده حکومتی به پیش برده شود. میبایست صفوفش را از صف حامیان حکومت و قانون اساسی اسلامی و امثال این خزعبلات جدا کند. مکث امروزی در واقع نفس تازه کردن برای يك تعرض عمیق تر است. جمهوری اسلامی با نزاعهای درونیش دست و پا میزند. همه حاکمین تا آخرین لحظه رجز میخوانند. اما چه کسی است که نداند که این حکومت با اقتصادی از هم گسیخته، با صفوفی در هم ریخته، و در چنبره يك سیستم بسیار فاسد و گنبدیده و به بن بست رسیده، نمیتواند در برابر مردمی که از پیر و جوان و زن و مرد در سراسر ایران عزم کرده اند سرنگونش کنند دوام آورد؟ سرنگونی این حکومت با این انقلاب حتمی است اما این اولین گام انقلاب خود ویژه ای است که پایه جامعه ای عمیقا انسانی را خواهد گذاشت.*

ضد سرمایه بود. ادامه جنبش آزادی و برابری در دانشگاهها بود. ادامه شورش مردم به فقر کشیده بود و ادامه حرکت پیوسته کارگران برای دست یابی به زندگی انسانی بود. این جنبش و این انقلاب به این مفهوم چپ بود و رهبری داشت. اما توقف و مکث امروزش دقیقا از این روست که چنین انقلاب و جنبشی نمیتوانست با شخصیتهای کپک زده حکومتی به پیش برده شود. میبایست صفوفش را از صف حامیان حکومت و قانون اساسی اسلامی و امثال این خزعبلات جدا کند. مکث امروزی در واقع نفس تازه کردن برای يك تعرض عمیق تر است. جمهوری اسلامی با نزاعهای درونیش دست و پا میزند. همه حاکمین تا آخرین لحظه رجز میخوانند. اما چه کسی است که نداند که این حکومت با اقتصادی از هم گسیخته، با صفوفی در هم ریخته، و در چنبره يك سیستم بسیار فاسد و گنبدیده و به بن بست رسیده، نمیتواند در برابر مردمی که از پیر و جوان و زن و مرد در سراسر ایران عزم کرده اند سرنگونش کنند دوام آورد؟ سرنگونی این حکومت با این انقلاب حتمی است اما این اولین گام انقلاب خود ویژه ای است که پایه جامعه ای عمیقا انسانی را خواهد گذاشت.*

زنان و مردان آزاده در ایران و در سراسر جهان را فرامیخواند تا در سالگرد تظاهرات میلیونی خرداد برای برپایی اعتراضاتی هرچه گسترده تر بر علیه جمهوری اسلامی به میدان بیایند. در داخل کشور باید به اشکال مختلف، از سردادن شعار "مرگ بر دیکتاتور" بر پشت بام ها تا شعار نویسی بر در و دیوار، تا برپایی حرکات اعتراضی در دانشگاه ها و دبیرستانها و محلات به استقبال این روزها رفت. باید از هم اکنون قول و قرارها را گذاشت تا توده های هرچه وسیعتری برای حضور در تظاهرات های خیابانی و از سر گرفتن دوباره این شیوه مبارزاتی آماده شوند. باید در محلات و محل کار و تحصیل متشکل شد و برای اقدامات سراسری و متحد نظیر اعتصاب عمومی تدارک دید. در خارج کشور باید برای موج وسیع و کوبنده دیگری از تظاهرات در همه شهرهای بزرگ اروپا و آمریکای شمالی و حمله به سفارتخانه ها و مراکز جمهوری اسلامی آماده شد. باید همه جا از

اپوزیسیون میتوانند به این دلخوش باشند که این حرکت تمام شد. اما ما که دیده بودیم و گفته بودیم که در این جامعه يك جنبش عظیم و سراسری سرنگونی طلبی در غلبان است و در اوج ناباوری و انکار اپوزیسیون کودن و متعفن، این جنبش خود را با تظاهراتهای میلیونی جلوی چشم همگان گذاشت، امروز با قاطعیت می بینیم و میگویم که انقلاب ایران نه فقط شکست نخورده بلکه با قدرت و عمق بیشتری زنده بودن خویش را نشان خواهد داد. این انقلاب به شهادت اول مه سراسری و رادیکال امسال، به شهادت تظاهراتهای هر روزه دانشجویان، به شهادت اعتصاب سراسری مردم زحمتکش کردستان در پس اعدامهای وحشیانه، به شهادت روحیه رزمنده و بالای زنان و کل مردم جامعه، و همچنین به شهادت تداوم رجز خوانیها و حکومت نظامی ها و مانورها و جنایات حکومت وحشت زده، زنده است و خیلی زود تداوم خود را به هر ناباوری اعلام خواهد کرد. و همه چیز حکایت از آن دارد که این بار با شفافیت بیشتری و با رادیکالیسم و ابراز وجود همه جانبه تری جهانی را به لرزه در خواهد آورد. جنبش عظیمی که سال گذشته سر بر آورد ادامه هشت مارسهای سرخ بود. ادامه اول مه های رادیکال

بحران "بدحجابی"، خنده و ...

از صفحه ۱
هادی وقفی

جزو وظایف ذاتی پلیس است و اینکه پلیس بر همین اساس منتظر تصویب طرح حجاب و عفاف نخواهد ماند که به گفته او باید از ۲۲ دستگاه بگذرد! اما چیزی که ساجدی نیا با علاقه خاصی داشت به آن اشاره کند، این بود که از این پس قرار است از بدحجابان و کسانی که امکان برخورد با آنها در محل وجود ندارد، فیلمبرداری شود و سپس با یک نامه به پلیس امنیت اخلاقی فراهانده شوند! ساجدی نیا همچنین اضافه کرده است که ۲۵۰ نفر از ارادل و اوپاش شناسایی شده اند، ۳۰ نفر به پایگاه های امنیت" مراجعه و توبه نامه نوشته اند و در چند روز گذشته، روزانه ۱۵۰ خودرو توقیف شده است! این فقط گوشه ای از دست و پا زدن ها و شاخ و شانه کشیدن های رژیم است که روزهای پایان کارش به شمارش افتاده است. برخورد با پارتی ها، اینکه خودرو حریم خصوصی افراد هست یا نه، برخورد با زنان و مردان بلبوشش، بیبینه "شورای عالی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم" در مورد بدحجابی، آئین نامه دانشکده علوم پزشکی شیراز در

انسانها و تحمیل قوانین شرعی و عقب مانده مذهبی اش به زندگی آنها، بکار گرفته است و این، البته بلحاظ سیاسی معنا دارد. این حکومت با ابتدایی ترین خواست ها و حقوق انسانها در جنگ است. وجود و ادامه حیات تنگن و پر از جنایت و کشتار به حجاب و نوع پوشش مردم گره خورده است. این رژیم با ماهیت مذهبی خودش اساسا با مقوله انسانیت در تناقض است و پس از سی سال دیگر این را خودش هم بروشی می داند و دقیقا به همین علت از همه چیز و همه کس می ترسد. می داند که بر روی آتشفشانی از خشم و نفرت مردم، زنان، جوانان و کارگران - در تمام دنیا - خوابیده است که هرآن ممکن است دهان باز کند و حاکمیت کثیف مذهبی اش را بزیر بکشد. ترس از انقلاب مردم این رژیم را به اینجا کشانده و به این روزش انداخته است. به اینکه تمام دستگاه های سیاسی - اداری خود را در برخورد با "بدحجابی" بکار گیرد و در نتیجه، تمامی دستگاه غارت، چپاول، شکنجه، کشتار و بی حقوقی اش را تا بتواند بظاهر هم که شده نشان دهد هنوز این حاکمیت خونریز و وحشی پابرجاست و هنوز دارد می کشد، اعدام و سنگسار می کند و شلاق می زند و بدترین بی حرمتی ها و

تحقیرها را در حق انسانها روا می دارد. مسئله حجاب، شادی و خنده در ایران جمهوری اسلامی یعنی بود و نبود همه این جنایتکاران و یعنی بحرانی در کنار تمام بحران های دیگر این حکومت. مسئله حجاب یعنی بدست گرفتن پرچم سیاسی بزیر کشیدن این حکومت و تابستان امسال، جنبش عظیمی که از سوی زنان، دختران و پسران جوان ایران مدتهاست با شعار "لغو آپارتاید جنسی" و "آزادی انتخاب پوشش" آغاز شده است، می تواند یکبار دیگر جنبش وسیعتر و سراسری تر مردم ایران را برای پایین آوردن این حکومت یک گام بزرگ بجلو براند و اینبار در شرایطی که جامعه ایران پس از اول ماه "مه" و مطرح شدن راه و آلترناتیو طبقه کارگر برای رهایی کل جامعه و اعتراضات عمیق و انسانی که با اعدام فرزند کمانگر در ایران و تمام جهان - و بویژه در کردستان با اعتصابی وسیع و سراسری به رهبری نیروهای چپ و کمونیست - رخ داد، اساسا وارد فاز دیگری شده است. در چنین شرایطی جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی زنان و جوانان ایران باید آگاهانه تر و پخته تر به جنگ این رژیم رفته و درسهای اول ماه مه و نتایج سیاسی - انسانی مبارزه عظیمی را که در

اعتراض به اعدام ۵ فعال سیاسی ببار نشست، سرلوحه راه و مبارزه اش در تابستان امسال قرار دهد. فراموش نکنیم که مبارزه انسانی مردم ایران برای بزیر کشیدن جمهوری اسلامی نیازمند آلترناتیو و رهبری سیاسی است تا بتواند تمام مردم، زنان، کارگران و جوانانی را که تشنه جaro کردن این حکومتند، به هم متصل کند و ضربه نهایی را وارد آورد. امروز جامعه ایران بیش از پیش در این مسیر گام گذاشته و هر چه بیشتر به سرنگونی این رژیم جنایت و غارت مذهبی نزدیک شده است. باید کاپوس ترس و وحشت این حکومت از به سرانجام رسیدن مبارزه مردم را به واقعیت تبدیل کرد و جنبش زنان و جوانان ایران، جنبش عظیم بدحجابی، جنبش خنده، جنبش پارتی های شبانه و در یک کلام جنبش عظیم خلاصی فرهنگی جوانان و زنان، یک پای اساسی تحقق چنین امری است بشرطی که آن آلترناتیو و نیروی سیاسی، چپ و رادیکال واقعا نزدیک و وفادار به مبارزه انسانی خودش را انتخاب کند و در کنار کارگران و تمام مردمی که سی سال اسیر فقر و محرومیت جمهوری اسلامی بوده اند، انقلاب را سازمان دهد و به پیروزی برساند. ...

شیشه عمر رژیم اسلامی ...

از صفحه ۱

فرستی است تا جواب دندان شکنی به این از گور گریختگان اسلامی دهید و نه فقط حمله مذبحخانه رژیم را خنثی کنید، بلکه دیوارهای آپارتاید جنسی را تماما درهم شکنید، حجاب برگزید و این "شیشه عمر" جمهوری اسلامی را بر زمین کوبید!

حزب کمونیست کارگری شما را فرامیخواند تا در دانشگاهها و مدارس، در خیابان و در محله، در ادارات و بیمارستانها و کارخانه ها با تمام قوا علیه قوانین برده وار و ضد بشری حجاب و تبعیض جنسی قاطعانه مبارزه کنید. به این قوانین عصر حجر و ضد زن هیچ کجا کردن نگذارید. هر تذکر و تنبیه و توبیخ به دلیل "بدحجابی" را با صدای بلند بر صورت عوامل رژیم اسلامی بکوبید و به هر مورد آن قویا اعتراض کنید.

هر قانون و قاعده ای برای تحمیل پوشش معین و حجاب را متحد و یکصدا زیر پا بگذارید. در مقابل این جنون اسلامی و ضد زن و همه مظاهر جداسازی جنسی دست به حرکت متحد و جمعی برنید، اعتصاب و اعتراض کنید و کلاس های درس و محیط کار را در اعتراض به این حملات حکومت ضدزن اسلامی تعطیل کنید. هر حمله اوپاش اسلامی به زنان و مردان در خیابانها را به تظاهرات علیه کل رژیم اسلامی تبدیل کنید. در اقدامات جمعی و متحد، مترو و اتوبوس و خیابان و اماکن عمومی را به محیط های بی حجاب تبدیل کنید و از اقدامات و اعتراضات خود عکس و فیلم تهیه کنید و به تمام دنیا ارسال کنید. بگذار تمام جهان بداند که جمهوری اسلامی با حجاب



انسانی
زنده باد جمهوری سوسیالیستی!
حزب کمونیست کارگری ایران
۳ خرداد ۱۳۸۹ - ۲۳ مه ۲۰۱۰

با نشریه انترناسیونال همکاری کنید

نشریه انترناسیونال را بخوانید و وسیعا توزیع کنید

یک دنیای بهتر برنامه حزب را بخوانید

و در سطح وسیع توزیع کنید

و آپارتاید جنسی اش با همه جنایات و اعدام و سنگسار و زندانش دیگر به پایان کار خویش رسیده و نعره های آیت الله ها علیه زنان و علیه بی حجابی از سراسر استیصال است. رژیم از سر ناچاری و در تقلا برای بقاء، به اشتباه مهلکی دچار شده است. با حمله رژیم مفلوک به "بدحجابی" و برای تحمیل جداسازی جنسی فرصتی ممکن میشود تا همه زنان و مردان آزاده چه در ایران و چه در خارج کشور یکصدا علیه حجاب و آپارتاید جنسی به حرکت درآیند و نه فقط به این تشبثات قرون وسطی و ضد زن را جوابی محکم و درخور دهند بلکه انقلاب علیه جمهوری اسلامی را با قدرتی دو چندان به پیش رانند!

نه به حجاب، نه به آپارتاید جنسی سرنگون باد جمهوری اسلامی
زنده باد انقلاب انسانی برای حکومت

اساس سوسیالیسم انسان است!

بازتاب هفته

مهاجرت یا هزیمت علمای اسلام

یاشار سهندی

در سایت رادیو فردا آمده بود: "عبدالکریم سروش، نویسنده و روشنفکر دینی ایرانی، در تازه‌ترین نامه خود، این بار خطاب به روحانیون و علمای ایران، از آنها خواسته است که در اعتراض به وضعیت موجود در کشور از ایران مهاجرت کنند و به عراق بروند." و به گفته همین سایت "به علمای قم و مشهد چنین توصیه کرده است که پشتیبانی از این طالبان نامطلوب نه خشنودی ملت را در پی دارد و نه آبروی روحانیت را." ایشان برای ترغیب بیشتر "علمای قم و مشهد" تاریخ انقلاب مشروطه را یادآور شدند و تاکید کردند: "چون رهنمود دینی و قرآنی و شیوه اعتراض مدنی و انسانی... در سیره عالمان دین ثبت افتاده است."

سروش از جانب رادیو فردا به القاب زیادی مفتخر شده: نویسنده و روشنفکر دینی، فیلسوف و دگر اندیش ایرانی و استاد فلسفه، همین استاد و امثالهم بارها تاکید کرده اند که "ملت ایران حافظه تاریخی ندارند" و مثال هم میزنند که این "ملت" یکبار دروازه را به روی "اعراب" باز کردند و هنوز تنبیه نشده از این کار خویش به روی "ترکان" دروازه را گشودند. و این نیز درس عبرت نشد، دروازه را نبستند تا "چنگیزیان بر جان و مال ناموس شان دست یازیدند" و گویا سروش باورش شده است که راستی راستی "ملت ایران" حافظه تاریخی ندارد، به باور ایشان ضمیر این مردم "لوح پاک است" که میتوان بر آن هر چیزی را نوشت! تاکید روشنفکران دینی بر اینکه ملت ایران حافظه تاریخی ندارد یک تزلزل سیاسی است تا یک تحقیق جامعه شناسانه تا به ما مردم به باوراند که هر چی میکشیم تقصیر خودمان است. از ماست که بر ماست! تزلزل گشودن دروازه به روی اعراب و ترکان و چنگیزیان تزی است ناسیونالیستی و به همان درجه سیاسی تا مردم قبول کنند "ملت

برتر" هستند و به همان نسبت به این ملت برتر بقبولانند خود کرده را تدبیر نیست. اما تاریخ واقعی حکایت از آن دارد که "هجوم اقوام بیگانه" نه از سر نادانی یا خوشباوری مردم بلکه در کشاکش حاکمان وقت و دست یازیدن حکومت‌های وقت برای تسلط بیشتر بر جهان دوران خودشان بوده است و توده مردم همیشه قربانی این مخاصمات بوده اند. این شرایط مختص ایران نبوده است تاریخ طبقاتی جهان مملو از این هجوم‌ها است. نقش علما در انقلاب مشروطیت نقشی کاملاً ارتجاعی بوده است که ادامه و عوارضش همین حکومت اسلامی است. همه تحركات ایشان در جهت جلوگیری از تعمق یافتن انقلاب مردم ایران بوده است. مردمی که صد سال پیش میخواستند مانند اروپا زندگی مترقی داشته باشند به واسطه پارلمان و عدالت خانه؛ در همان پارلمان به واسطه کوشش همین علما گفته شد نباید قوانین از حدود و تغور اسلام فراتر رود. اما اگر این تاریخ را فراموش کنیم، تاریخ سی و یک ساله گذشته نشان داده که "رهنمود دینی و قرآنی و شیوه اعتراض مدنی و انسانی... در سیره عالمان دین ثبت افتاده است" هیچ نبوده است جز قصاص و سنگسار و اعدام و تجاوز و شکنجه و تصویب و اجرا کردن هر چه قانون ضد بشری است. و همه اینها در خدمت حاکمیت یک طبقه انگل سرمایه دار قرار داشته و دارد. امروز این "آبروی روحانیت" نیست که در خطر است بلکه حیات اسلام سیاسی که از انقلاب مشروطیت در ایران پا گرفت عمیقاً به خطر افتاده است و دیر نیست که کلاً جارو شود. راه دیگری برای این جنبش کثیف ضد بشر و ضد انسان امروز وجود ندارد. "به خطر افتادن آبروی روحانیت" در واقع اعتراف به نواخته شدن ناقوس مرگ این جنبش در ایران از سوی یکی از تئوریسین‌ها و سردمداران آن است. اگر اینها امروز این چنین به هذیان و حسیض افتاده اند انعکاسی از وضعیت جنبششان است. اکنون به واسطه رنسانس عظیمی که در ایران شکل گرفته کل

اسلام سیاسی و به تبع آن کل مذهب در جهان در خطر جدی قرار گرفته. نگرانی سروش از این بابت است. بدون این جنبش، امثال سروش فلسفه وجودی شان از بین می‌رود. سروش جوابش را در کامنت یک خواننده به خوبی گرفته است. در همان سایت مزبور سیامک از تهران می‌گوید: سروش هنوز در دوران قاجار سیر می‌کند؟ که فکر می‌کند "علما" واقعا وزنی در جامعه دارند و حرفشان خریداری دارد و اگر مشکلی بود باید بقچمشان را پیچند و همراه عیال با آقازاده‌ها به "عتبات عالیات" بروند؟! جناب روشنفکر "دینی"! این حقیقت را هرچند که تلخ است بپذیر که روحانیت و مرجعیت و قماش از این دست مدهاست که دیگر جایی در جامعه رو به مدرن شدن ایران ندارند!.

کاریکاتور مفلوک



غلام اکبری

احمدی نژاد در چهاردهمین اجلاس سران گروه ۱۵ از جمله گفت: "اطلاع دارید که در فاصله زمانی اجلاس قبلی تا امروز حوادث مهمی در عرصه‌های اقتصاد، سیاست و امنیت به وقوع پیوسته است... امروزه بر همگان آشکار شده است که ادامه وضع موجود امکان پذیر نیست و در صورت تداوم آن بر مشکلات افزوده خواهد شد... امروز در اینکه جهان باید با نظامات و ساختارهای واحدی اداره شود تردیدی نیست... نظامات جدید می‌بایستی که در چهارچوب‌های نظری و فلسفی مبتنی بر ایمان به خدای مقتدر و مهربان و حکیم تعریف و سازماندهی گردد" وقتی احمدی نژاد این سخنان را ایراد میکرد میدانست که بزودی شورای امنیت قطعنامه تازه‌ای علیه حکومتش تصویب خواهد کرد. و مهمتر از همه میدانست که مردم دنیا با طنین انقلاب علیه حکومت اسلامی، عمیقاً از نفرت عمومی در داخل ایران از این حکومت خبر دارند. اما

ممکن است این سخنرانی و کلام سخنرانی‌های اخیر احمدی نژاد و سران رژیم جمهوری اسلامی در رابطه با موضع‌گیریهای جمهوری اسلامی در رابطه با مسائل بین المللی این تصور را ایجاد کرده باشد که احمدی نژاد میخواهد پا جای پا "نهری"، "ناصر" یا "سوکارنو" بگذارد. امروز بعد از گذشت حدود ۲۰ سال از سقوط سرمایه داری دولتی بلوک شرق و یکساز بازار آزاد، جنبشهای نیم رنگی مثل جنبش عدم تعهد دیگر حنایش رنگی ندارد. چه رسد به اینکه حکومتی مانند جمهوری اسلامی که نمیداند از ترس مردم روزش را چگونه شب کند راه حل برای مشکلات بین المللی را در جیب داشته باشد. اینکه اسلام سیاسی (جمهوری اسلامی) داعیه جهان‌گشایی در سر داشته و دارد هیچ شکی نیست و شاید ۳۰ سال پیش میتوانستند با این ژستها کسانی را دور خود جمع کنند. اما امروز تنها کسانی که از "آفرین!" و "به به!" گفتشان، جیبشان پر میشود، است که به این کاریکاتور مفلوک و ژستهای مضحک سران حکومتی نمی‌بخندند. این نکته را هم خود سران رژیم میدانند (ساده لوحی است اگر فکر کنیم که نمیدانند) میدانند که دیر زمانی است که این ژستها ها فقط رجز خوانی در میان مردگان را به ذهن می‌آورد. وقتی احمدی نژاد این اراجیف را ردیف میکند هدفش نه تهدید نه جهان‌گشایی و آلترناتیو

آدرس تماس با حزب:
Tel: 0046-739318404
Fax: 0046- 8 6489716
Email: markazi.wpi@gmail.com

تلفن تماس با حزب در خارج از کشور
 ۰۰۴۶۷۰۴۱۵۸۹۹۹ خلیل کیوان، دبیر کمیته خارج

تلفن تماس با حزب از ایران
 ۰۰۴۴۷۷۷۹۸۹۸۹۶۸ شهلا دانشفر: دبیر کمیته سازمانده

آدرس پستی:
I.K.K, Box: 2110, 127 02 Skärholmen - Sweden

سایت حزب: www.wpiran.org
سایت روزنه: www.rowzane.com
نشریه انترناسیونال: www.anternasional.com
سایت کانال جدید: www.newchannel.tv

جمهوری سوسیالیستی، جمهوری انسانی است!

بازتاب هفته

"عوامفریبانی که سرنگون میشوند"



محمد شکوهی

داشت. احمدی نژاد در کرمان گفت: "ما نمی‌دانیم روس‌ها در کنار ما هستند یا به دنبال چیزهای دیگر!" و به نحوی گفت روسها تسلیم فشار آمریکا شده‌اند. بدنبال این اظهارات سرگی پریخودکو، مشاور مدویدف، در پاسخ به احمدی نژاد گفت: "غیرقابل پیش‌بینی بودن، افراط گرایی سیاسی، عدم شفافیت و بی‌ثباتی در اتخاذ تصمیمات مربوط به کل جامعه بین‌الملل برای روسیه غیرقابل قبول است. هیچکس هرگز نتوانسته که با عوام فریبی سیاسی قدرت خود را حفظ کند. من اطمینان دارم که تاریخ هزاران ساله ایران خود شاهد این مدعا است!" این یعنی عوامفریبانی که قدرت را از دست می‌دهند و از تاریخ حکومت‌های سرنگون شده درس نمی‌گیرند. با این اظهارات تند یکی از مقامات بلندپایه روسیه روابط رژیم اسلامی با روسیه که تا به امروز از شرکای مهم تجاری و بخشا سیاسی جمهوری

معاون رئیس جمهور روسیه یکی از تندترین جملاتی را که سران دولتها تا کنون در مورد جمهوری اسلامی بکار برده‌اند این روزها نثار این حکومت کرد: عوامفریبانی که از تاریخ درس نمی‌گیرند و سرنگون میشوند. ظاهرا سران دولت روسیه هم از خواب بیدار شدند و صدای انقلاب ایران را شنیده‌اند. در هفته‌ای که گذشت موضوع تحریم‌های جدید شورای امنیت علیه ایران و موافقت کشورهای روسیه و چین با قطعنامه تحریم‌ها در سازمان ملل، واکنش محتاط‌آمیز احمدی نژاد را به دنبال

اسلامی بوده است، دچار بحران جدی شده است. جمهوری اسلامی که بعد از "هلهله توافق هسته‌ای" با ترکیه و برزیل و برای دور زدن تحریمها در تلاش بوده روسیه و چین را به طرف خود بکشد، شکست خورد. این یعنی انزوای بیشتر رژیم و تمایل روسیه به سیاستهای آمریکا و شرکای غربی اش در برخورد به بحران هسته‌ای حکومت. جمهوری اسلامی که در طول چند سال گذشته با دیپلماسی "عدم دخالت در امور داخلی" روسیه و بحران‌های جمهوری‌های آسیایی این کشور و متقابلا با بهره‌برداری از امکانات تکنیکی و فنی روسیه موفق شده بود پروژه هسته‌ای اش را بی‌سرو صدا پیش ببرد، اکنون در محاصره گیر کرده است. از طرف دیگر کنار آمدن‌های آمریکا با روسیه برای همراه کردن این کشور با سیاست تحریم‌های غرب بر علیه جمهوری اسلامی، از جمله عواملی بودند که غرب موفق شد روسیه و بخشا چین را با خود همراه کرده و با انتقاد از سیاستهای "ناروشن" این کشورها در برخورد با بحران هسته‌ای

جمهوری اسلامی و بخشا توافقاتی با این دو کشور، حلقه حامیان جمهوری اسلامی را شکسته و بدین ترتیب جمهوری اسلامی را به انزوای بیشتری براند.

اظهارات مقامات روسیه یک تو دهنی از زاویه منافع این کشور در رویارویی اش با جمهوری اسلامی و بخطر شدن پشت سیاست‌های غرب برای اعمال قطعنامه تحریم‌ها بر علیه جمهوری اسلامی می‌باشد. بدون تردید یکی از دلایل فاصله گرفتن روسیه از جمهوری اسلامی خود وضعیت داخلی و بی‌ثبات حکومت در اثر انقلاب مردم است. حکومت اسلامی که تا این لحظه امکان "مانور" در شکاف کشورهای عضو دائم شورای امنیت سازمان ملل را برای جلوگیری از اعمال تحریم‌ها داشت، این فرصت را از دست داده است. اما نکته مهمتر اینها خود اهمیت حیاتی روابط تا کنونی رژیم با روسیه است که با این اظهارات احمدی نژاد بحرانی تر شده است و این یعنی تضعیف رژیم در جامعه جهانی و فشار دیگر بر آن. در کنار این

بحرانی‌ترین شدن روابط روسیه و رژیم اسلامی، فشارهای غرب ادامه داشته و به احتمال زیاد قطعنامه چهارم در شورای امنیت بر علیه جمهوری اسلامی تصویب خواهد شد. پا به پای این توده‌نی به احمدی نژاد، بحران حکومت در داخل حول سیاستهای هسته‌ای حکومت حادث شده و جنگ و دعوی باندهای حکومتی بالا گرفته است. در یک چنین وضعیتی که رژیم در عرصه هسته‌ای و دیپلماسی جهانی قرار گرفته، در داخل ایران هم با موج بازگشت اعتراضات گسترده در آستانه سالگرد آغاز انقلاب مردم بر علیه حکومت روبرو بوده که ترس و وحشت سرتا پای وجودش را فرا گرفته است. عریده کنشی‌های "موفقیت هسته‌ای" که قرار بود به عنوان ابراز تشدید سرکوب‌های در داخل مورد استفاده قرار بگیرد، به سوی خود رژیم برگشته است. "پیروزیهای هسته‌ای" حکومت تبدیل به جام زهری شده که کل حکومت از قضا در سالگرد مرگ خمینی ناچار است سر بکشد. *

اعتصاب هزاران کارگر سد گتوند علیا در خوزستان

طبق گزارش یکی از خبرنگاران حزب، هزار کارگر شرکت اکتشافات که یکی از پیمانکاران سد گتوند علیا بر روی رود کارون است، از روز ۱ تا ۱۲ اردیبهشت در اعتراض به تعویق دستمزد فروردین ماه دست به اعتصاب زدند و موفق شدند دستمزد یکماه خود را نقد کنند. کارگران تصمیم گرفته‌اند در صورتیکه دستمزد ماه اردیبهشت آنان نیز به تعویق افتد دست به اعتصاب بزنند زیرا بیم آن می‌رود که این پیمانکار به کار خود خاتمه داده و کارگزارانش را اخراج کند و از پرداخت دستمزد آنها خودداری کند. طبق همین گزارش سه هزار کارگر شرکت تابلیه که یکی از شرکت‌های تحت پوشش بنیاد مستضعفان است و کار قالب بندی و ساختمانی و بتن ریزی سر ریز این سد را انجام میدهد، در اعتراض به ۵ ماه دستمزد معوقه دست به یک اعتصاب ۵ روزه در اردیبهشت ماه زدند و با وعده دریافت دستمزد به سر کار برگشتند، اما وعده‌ها توخالی از آب درآمدند و کارگران مجددا در روزهای گذشته اعتصاب را از سر گرفته‌اند. بنا به همین خبر دارندگان بیل‌ها و ماشین‌آلات سنگین و همچنین مینی‌بوس‌های استیجاری ایاب و ذهاب کارگران نیز به اعتصاب پیوسته و خواستار مطالبات خود شده‌اند. لازم به توضیح است که سد

گتوند علیا بر روی رود کارون قرار دارد و توسط قرارگاه خاتم الانبیا سپاه و وزارت نیرو و یک شرکت فرانسوی در ۱۲ کیلومتری شهر گتوند در حال ساخته شدن است و کارگران بخش‌های مختلف این سد در دو شیفت کاری ۱۲ ساعته و در شرایطی بسیار نا امن کار میکنند. حزب کمونیست کارگری از مبارزه کارگران سد گتوند علیا در خوزستان قاطعانه حمایت میکند و نپرداختن دستمزد کارگران را یک جنایت آشکار کارفرمایان و جمهوری اسلامی میدانند. حزب کارگران بخش‌های مختلف سد را به برگزاری مجمع عمومی و تصمیمات متحد و یکپارچه فرامیخواند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۶ خرداد ۱۳۸۹، ۲۷ مه ۲۰۱۰

گرامیداشت یاد جانباختگان راه آزادی، دالاس ۲۹ مه

دعوت میکنیم که در گردهمایی که بمناسبت گرامیداشت یاد پنج اعدامی اخیر فرزند کمانگر، علی حیدریان، فرهاد ویلی، شیرین علم‌هولی و مهلی اسلامی در روز شنبه برگزار میشود شرکت کنند تا یک صدا و متحدانه اعلام کنیم که اعدام قتل عمد دولتی است و ما با

بنا به اطلاعیه کمیته بین‌المللی علیه اعدام روز شنبه ۲۹ مه ساعت ۶ بعد از ظهر مراسمی در گرامیداشت یاد جانباختگان راه آزادی در شهر دالاس برگزار میشود. در قسمتی از اطلاعیه آمده است: "بدینوسیله از تمام ایرانیان آزادیخواه و انساندوست دالاس

ده خواست فوری مردم!

- حزب کمونیست کارگری بمنظور قدرت‌گیری هر چه بیشتر جنبش انقلابی مردم، تثبیت دستاوردهای آن، و تسهیل پیشروی آن در جهت سرنگونی جمهوری اسلامی مفاد زیر را بعنوان ده خواست فوری و حداقل مردم اعلام میدارد:
- ۱- بازداشت و محاکمه علنی آمرین و عاملین کشتارهای اخیر و کلیه جنایات جمهوری اسلامی در سی سال گذشته
- ۲- آزادی زندانیان سیاسی
- ۳- لغو مجازات اعدام
- ۴- لغو حجاب اجباری و جداسازی جنسیتی
- ۵- لغو کلیه قوانین ضد زن و تبعیض آمیز علیه زنان. برابری کامل حقوق زن و مرد
- ۶- جدائی کامل مذهب از دولت، از سیستم قضائی، و از آموزش و پرورش. آزادی کامل مذهب و بی‌مذهبی بعنوان عقیده و امر خصوصی افراد
- ۷- آزادی بی‌قید و شرط عقیده، بیان، اجتماعات، مطبوعات، تظاهرات، اعتصاب، تشکل و تحزب
- ۸- برسمیت شناسی حقوق مساوی برای همه شهروندان ایران مستقل از مذهب، زبان، و یا قومیت و ملیت
- ۹- محاکمه آیت‌الله‌ها و مقامات حکومتی و ایادی آنان بجرم غارت و چپاول اموال مردم و باز پس گرفتن اموال غارت شده از آنان
- ۱۰- تأمین و تضمین یک زندگی مرفه و منطبق بر آخرین استانداردها و امکانات در پیشرفته‌ترین جوامع برای همه شهروندان. افزایش فوری حداقل دستمزد و حقوق به یک میلیون تومان
- این فرمان جنبش آزادیخواهان مردم است. اینها خواستهای حداقل و فوری مردمی است که در صفوف میلیونی به خیابان آمده‌اند و شعار مرگ بر جمهوری اسلامی سر داده‌اند. این حداقل شرایطی است که هرکس که داعیه همگامی با اعتراضات مردم را دارد باید از آن دفاع کند.
- مردم ایران برای تحقق این خواستها و سرنگونی جمهوری اسلامی با قدرت به مبارزه خود ادامه خواهند داد. حزب کمونیست کارگری ایران
۵ تیرماه ۱۳۸۸، ۲۶ ژوئن ۲۰۰۹

هر نوع کشتن عمدی انسانها به هر بهانه و دلیلی مخالف هستیم و آنرا با صدای بلند اعلام میکنیم. امید که با حضور فعال خود و با بیان آزاد نظراتتان ما را در این راه راهنما همراه باشید. به امید دیدار شما"

مکان: Best western hotel 640
park blvd plano tx 75074

گذری در اینترنت

پاسخی به کامنت های اینترنتی
در مورد کمونیسم و حزب

اصغر کریمی

ستم ملی و "تجزیه طلبی"

"شمایی که به مرز اعتقادی ندارید و به سادگی برای بخشهای کشور فرماندوم برگزار میکنید، چگونه می توانید راه پیشرفت را بیابید؟ ... با این اعتقاد اتان مدت زمان زیادی طول نخواهد کشید که تمام کشور را به فرماندوم خواهید گذارد و کشوری باقی نخواهید گذاشت. چرا که مردم آذربایجان هم دچار ستم های فراوانی هستند پس خواهان فرماندوم هستند و حق شان هم هست. مردم کردستان را هم که خودتان فرمودید حقشان است. مردم بلوچسان هم که در دوره های متمادی تاریخ ایران از گذشته تا کنون همواره در ستم و رنج و سختی بسر می برند پس حق آنان نیز هست. بفرمایید از ایران چه میماند؟"

سوال من از این منتقد حزب این است که از ایران چه مانده است؟ ایشان از آب و خاک میگویند و من از مردمی که هر نوع حق و حقوقی از آنها سلب شده است. ایشان مثل هر ناسیونالیست دیگری به آب و خاک چسبیده است و هدفش را "تمامیت ارضی" به هر قیمت قرار داده است و حزب کمونیست کارگری رفاه و آزادی و حقوق برابر انسانها، رفع هر نوع ستم از جمله ستم ملی، رفع هر نوع نابرابری از جمله در تقسیم امکانات جامعه را مبنای فعالیت خود قرار داده است. ایشان میپندیرد که حکومت اندر حکومت در دوره های متمادی به مردم کردستان و آذربایجان و سیستان و بلوچستان ظلم شده است، اما حاضر نیست کمی به عمق برود و ریشه این ستمها را جستجو کند و به آن پاسخ بدهد و کمونیست ها این ستم ها از جمله جلوگیری از تکلم مردم به زبان مادریشان و چماق تجزیه طلبی توسط حکومت ها و ناسیونالیست ها و سرکوب و جنایات آنها را میبینند و میگویند هدف برای ما داشتن يك زندگی انسانی است،



هدف ما این است که مردم مثل انسان زندگی کنند، یعنی آزادی و رفاه و برابری داشته باشند. و تنها در چنین جامعه ای است که شکافها و مرزها از میان میروند و انسانها صرف نظر از زبان و رنگ و نژاد مثل انسان با هم زندگی میکنند. دیگر نه خبری از سرکوب میماند و نه تجزیه. کسی که بدو ستم ملی را نادیده میگیرد و بلافاصله چماق تجزیه طلبی را بلند میکند باید بداند که دارد به حکومت های سرکوبگر مشروعیت میدهد و خود را کنار آنها قرار میدهد و شریک سرکوبگری آنها میکند. اگر مردم يك زندگی انسانی داشته باشند و مورد سرکوب و تحقیر و بیحرمتی و تبعیض قرار نگیرند چه دلیلی دارد بخواهند از بقیه جدا شوند و کشور و دولت مستقل تشکیل دهند؟ و اگر زمانی در جایی از این کره خاکی بخشی از مردم با جدا شدن از يك کشور امکان رها شدن از يك دولت سرکوبگر و ساختن يك زندگی آزاد و انسانی پیدا کردند چه جرمی کرده اند اگر تصمیم به جدائی بگیرند؟ چرا باید بجای پاسخ گوئی به این مساله به این سر راستی و رفع این نابرابری ها، مرزها را تقدیس کرد و تحت عنوان وطن پرستی با توپ و تانک به جان مردم افتاد و حمام خون به راه انداخت تا همه را در چهارچوب این وطن! نگه داشت؟ آیا روشن نیست که ناسیونالیست ها از پاسخ صریح طفره میروند؟ روشن نیست اینها مطلقاً نه قادرند و نه مایلند این ستمها را از بین ببرند و میان مردم اتحاد و دوستی و یکپارچگی ایجاد کنند؟

سیاست حزب کمونیست کارگری در این زمینه خیلی روشن است و برای کسی که ذره ای آزادی و حرمت مردم برایش ارزش داشته باشد قابل دفاع است و برای تحقق آن تلاش میکند. حزب کمونیست کارگری برای رفع کامل ستم ملی و هر نوع تبعیض بر حسب ملیت در قوانین کشور و عملکردهای دولت مبارزه میکند و با هر نوع تقسیم بندی ملی

همزیستی در کنار هم بوده است. دولتی که حقوق بدیهی مردم را به رسمیت نمیشناسد، فقر و محرومیت و سرکوب را به مردم تحمیل میکند و ناسیونالیستهای که بجای دفاع از برابری همه مردم، ایران ایران میکنند و مردم را به جرم زبان متفاوت تحقیر میکنند و علیه عرب زبان و ترک زبان و غیره مدام سمپاشی میکنند، عامل مهمی در دور کردن مردم از یکدیگر و انداختن آنها به دام سیاست های ناسیونالیستی از نوع دیگر و دامن زدن به انواع کشمکش های غیر انسانی میان مردم و یا مجبور کردن بخشی از مردم به جدائی هستند. برعکس حزب کمونیست کارگری و هر حزب و نیروئی که انسان، آزادی، حرمت و سعادت مردم را مبنای اهداف و سیاست های خود قرار داده است، وجود ستم ملی در حق بخشی از مردم و ضرورت حل آنرا به رسمیت میشناسد و اینرا حق مردم میدانند که به هر زبانی که خواستند تکلم کنند و حقوق برابری با سایر مردم داشته باشند. اگر حزب کمونیست کارگری به مردم کردستان حق میدهد که در يك فرماندوم آزادانه تصمیم بگیرند که در چهارچوب ایران بمانند یا جدا شوند اتفاقاً همین سیاست است که دست احزاب ناسیونالیست کرد و محافل و جریانات جدائی طلب را میندند و موجب اعتماد مردم به امکان يك زندگی برابر با بقیه شهروندان میشود. سیاست ما امکان میدهد که این استخوان لای زخم برای همیشه از بین برود و مردم کردستان و سایر نقاط ایران زندگی دوستانه و بدون از تشنجی در کنار هم داشته باشند. مردم کردستان خود را در مبارزه علیه جمهوری اسلامی کنار بقیه مردم ایران میبینند. کارگران کردستان خودشان را در کنار سایر کارگران و هم سرنوشت با آنها میبینند. اول مه و هشت مارس و روز کودک را با بقیه مردم جشن میگیرند و خود را همرد بقیه مردم میدانند. اعتصاب عمومی یکپارچه و پرشور مردم کردستان علیه اعداها نیز نشان داد که اولاً تا چه حد مردم کردستان خود را همسرنوشت بقیه مردم ایران میدانند و ثانیاً هرجا کمونیست ها حضور قوی تری داشته اند مردم هم متحدتر

در کنار هم قرار گرفته اند. بنابراین اینجا به اصل مساله میرسیم و آن اینکه اگر واقعا جدائی زمینه ای ندارد، احزاب فعال در کردستان نیز اعم از چپ یا راست، سیاست جدائی ندارند، پس دلیل و انگیزه تاخت و تاز ناسیونالیست ها و بلند کردن دائم چماق تجزیه طلبی چیست؟ اینجا است که به ریشه اصلی ناسیونالیسم و ایران ایران ناسیونالیست ها میرسیم. ناسیونالیسم ایدئولوژی و سیاست احزاب و حکومت های بورژوازی است برای هویت تراشی کاذب تا منفعت خود را منفعت عموم مردم جا بزنند. ملت تعریف میکنند و خود را نماینده ملت معرفی میکنند. وطن میکنند تا همه را از خامنه ای تا زنان تحت ستم را، از آیت اله های میلیاردر تا کارگر و زحمتکش محروم را، هم وطن خطاب کنند و برایشان منفعت مشترک برتر باشد و خود را دولت همه این ملت و همه هم وطنان قلمداد کنند. نیاز به این نوع شکاف ها و پروپاگاندا دارند تا روی مسائل مربوط به مبارزه طبقاتی سایه بیندازند. همه مساله اینجا است.

به سوال دوم این دوست ناسیونالیست هم توجه کنید:

عامل اتحاد يك ملت که از اقوام و گرایشات مختلف دینی و سیاسی تشکیل شده اند در درون مرزهای مشخص يك کشور چه چیزی میتونه باشه؟ اگر میهن پرستی و یا میهن دوستی وجود نداشته باشه، در مواقع حیاتی مثل تجاوز يك کشور بیگانه چه عاملی محرک و انگیزاننده افراد برای از خودگذشتگی برای دفاع هست؟ لطفا کسانی که مخالف ناسیونالیسم هستند پاسخ سوال من را بدهند.

از اینکه مردم را با هویت قومی و دینی تعریف میکند میگذرم و به نکته دیگر ایشان میرسم. ایشان عامل دیگری بجز ناسیونالیسم برای دفاع از کشور در مقابل حمله يك دولت دیگر نمیشناسد و حق هم دارد! ایشان مدافع آزادی و رفاه و برابری مردم نیست یعنی سیستمی که مردم با جان و دل آماده دفاع از آن باشند. ایشان مدافع نظم سرمایه داری و صفحه ۷

نه قومی، نه مذهبی، حکومت انسانی!

فراخوان مادران و زنان ایرانی برای تحصن علیه اعدام

گذری در اینترنت ...

از صفحه ۶

سیاست کمونیست های کارگری برای ایجاد پیوندهای محکم میان مردم به حد کافی روشن نیست؟ بورژوازی همیشه به شکاف های ملی نیاز دارد تا "ملت" را حول منافع طبقاتی خود به کمک ناسیونالیسم به میدان آورد و متردین را تحت عنوان خیانت به وطن و وطن فروش و تجربه طلب و امثالهم سرکوب کند. این کل داستان است. حال اگر در درون مرزها موفقیتی نصیب نشد، یک بحران برون مرزی می آفریند یا بر اسب بحران مرزی ساخته شده توسط دولت همسایه سوار میشود و حتی جنگ را هم برکتی میداند که به کمک آن روند مبارزه طبقاتی علیه خود را به سمت و سوی دیگری سوق دهد و خود را از خطر برهاند. جنگ ها همیشه برای بورژوازی خاصیت داشته است.

می بینیم که ناسیونالیسم تا چه اندازه از ریشه و بنیاد غیر انسانی است. کسی که واقعا آزادی میخواهد و میخواهد آزاداندیش و انسان دوست باشد باید دست از ناسیونالیسم بردارد و این خرافه را از سر بدر کند. اگر دنیا دست سوسیالیست ها و کمونیست ها بود همه مردم دنیا در صلح و صفا با هم زندگی میکردند و این مرزهای لعنتی که طوقی بر گردن بشریت است برای همیشه از میان میرفت. نه سرکوبی در کار بود، نه تجزیه ای و نه تجزیه طلبی.

نابرابری و استثمار و بی حقوقی اکثریت مردم است و در نتیجه میداند که مردم انگیزه ای در دفاع از دولت به اصطلاح خودی و کشته شدن در راه حفظ آن دولت و آن نظام ندارند. حس وطن پرستی را دامن میزند تا انگیزه از خود گذشتگی برای دفاع از کشور و سیستم و دولت مربوطه ایجاد کند. اما واقعیت این است که مردمی که دولتی را از خود ندانند مطلقا حاضر نیستند با تبلیغات میهن پرستانه و وطن در خطر است کنار ارتش و سپاه سرکوبگرش قرار گیرند و به جنگ بروند. حاضر نیستند پشت تبلیغات جنگی رسانه های دولت به خط شوند. اینها هر بچه شش ساله ای میفهمد اما ناسیونالیست ها مایل به فهم این مساله ساده نیستند. از قدیم و ندیم در این مملکت سربازگیری اجباری بوده و هیچ دولتی در طول تاریخ این کشور آنرا داوطلبانه نکرده است. آیا این خود دلیل محکمی بر پوچی انگیزه هائی که ناسیونالیست ها برای مردم تعریف میکنند نیست؟ یکی تحت نام اسلام برای مردم میتراشد و آنها را امت واحد تعریف میکند و یکی تحت نام ملت اینکار را میکند. هر دو یک کارکرد دارد. هر دو ارتجاعی است. هر دو عمیقترین شکاف ها را ایجاد میکند و هر دو چماقی است برای سرکوب علیه آنهائی که به این خرافات و سیاست های ضد انسانی تن نداده اند تحت نام تجزیه طلب و ملحد. آیا حقانیت

که نگذاریم مادران دیگر داغدار شوند. ما عده ای از مادران و زنان بدنبال در خواست مادر فرزند و برای نه گفتن به اعدام در مقابل پارلمان ایالتی نورد راین وستفالن در شهر دوسلدورف تحصن می کنیم و از همه مادران، زنان و مردان آزادیخواه می خواهیم که در این تحصن شرکت کنند و از پارلمان ایالتی بخواهیم که ما را در این راه یاری کند.

مکان: دوسلدورف مقابل پارلمان ایالتی

Platz des Landtags 1
40221 Düsseldorf

زمان: دوشنبه ۳۱ مای ۲۰۱۰ تا سه شنبه ۱ ژوئن ۲۰۱۰
هر روز از ساعت ۱۱ صبح تا ۴ بعد از ظهر

تلفن تماس:

01635931237

جمعی از مادران و زنان ایرانی کلن

دیگر تجربه کنند و به زندانیان دیگر می اندیشد که در خطر اعدام هستند و از ما می خواهد که سکوت نکنیم و برای آزادی آنان تلاش کنیم.

ما عده ای از مادران تصمیم گرفتیم پیام انسانی او را ارج بگذاریم و در این راه گام برداریم. ما مادرانی که خود درد و رنج و سختی های بزرگ کردن فرزندانمان را لمس کرده ایم و می دانیم چه پستی و بلندی هایی را باید گذرانیم تا فرزندی را به جامعه تحویل دهیم. می دانیم که شب هایی که برای فرزندانمان لالایی می خوانیم و در آغوش می گیریم به آینده ای می نگریم که او را موفق برای خود و جامعه می بینیم. و با امید به آن روز هر سختی و باری را متحمل می شویم. دایه سلطنه مادر فرزند سختی بزرگ کردن فرزند را که با فقر و نداری بود از یاد برده بود چرا که افتخار می کرد که فرزندش معلم است و آینده سازان سرزمینش را آموزش می دهد. اما فرزند معلم را از او گرفتند.

حال مادر فرزند از ما می خواهد

مادر فرزند کمانگر:

اعدام دیگر بس است!
هم میهنان عزیز و آزاده!

بیش از دو هفته از اعدام 5 زندان سیاسی فرزند کمانگر، شیرین علم الهولی، علی حیدریان، مهدی اسلامیان و فرهاد وکیلی می گذرد. اعدام هایی که در ابهام صورت گرفت و حتی به خانواده و وکیل آنها هم اطلاع داده نشده بود. اعدام هایی که به گفته ی وکیل سه تن از آنان اتهاماتشان غیر واقعی و جرم شان فقط آزادی خواهی بوده است. با وجود گذشت بیش از دو هفته از اعدام آنها اما پیکر این اعدامیان هنوز به خانواده هایشان تحویل داده نشده است.

مادر فرزند در پیام خود به شرکت کنندگان در مراسم بزرگداشت فرزند و دیگر جانبیختگان در شهر فرانکفورت می گوید:

"من فرزندم را از دست دادم ولی نگذارید مادران دیگر داغدار شوند؛ اعدام دیگر بس است!" پیام مادری که نمی خواهد این داغ را مادران

شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی

کمک مالی خود را میتوانید آنلاین از هر جای دنیا با مراجعه به سایت زیر (از طریق paypal) ارسال کنید. لطفا قید کنید که کمک ارسالی شما برای کانال جدید است:
<http://www.countmein-iran.com>

شماره حساب سوئد: Sweden Post Giro: 639 60 60-3 account holder: IKK

برای کمک مالی به کانال جدید در سوئد همچنین میتوانید با فواد روشن با شماره تلفن ۰۷۰۸۲۷۱۴۵۳ تماس بگیرید، تا با دادن شماره حساب خود اتوماتیک هر مقدار که مایل باشید از حساب شما برداشته شود.

آلمان:

Germany Rosa Mai 583657502 Konto. Nr.: Bankleitzahl: 37010050

کانادا Dixie Rd, Mississauga 4900; Canada ICRC Scotiabank

L4W 2R1 Account #: 84392 00269 13

هلند: Bank: RABOBANK Darande hesab: FVIVN Shomare hesab: 15 13 50 248

Adres: EINDHOVEN
IBAN No: NL74 RABO 0151 350 248

آمریکا:

G street, Blaine WA 98230 277ank of America Blaine Branch
ph:1-360-332-5711 Masoud Azarnoush State proof code : 99
Account number : 41581083 ABA routing # 026009593 Swift code : BOFAUS3N

شماره حساب انگلیس ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:

England Account nr. 45477981 sort code: 60-24-23 account holder: WPI
Bank: NatWest branch: Wood Green NWBK GB 2L BIC:
81 4779IBAN: GB77 NWBK 6024 2345

سوالی دارید میتوانید با شماره های زیر تماس بگیرید:

از اروپا: سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱

کانادا و آمریکا: فاتح بهرامی: ۰۰۱۴۱۶۷۲۹۷۲۵۷ مصطفی صابر: ۰۰۱۶۰۴۷۳۰۵۵۶۶

نامه های اعتراضی در محکومیت اعدام فرزند کمانگر و

۴ فعال سیاسی دیگر

کانون معلمین مدارس ابتدایی ونکور، اتحادیه معلمان آلمان، فدراسیون معلمان کانادا، اتحادیه فرهنگیان و معلمان نروژ و کمیسیون همبستگی بین المللی "کارگران صنعتی جهان" طی نامه های اعتراضی اعدام جنایتکارانه فرزند کمانگر و دیگر زندانیان سیاسی را محکوم کردند.

لغو مجازات اعدام

مجازات اعدام باید فوراً لغو گردد. اعدام یا هر نوع مجازات متضمن تعرض به جسم افراد (نقص عضو، تنبیه بدنی، و غیره) تحت هر شرایطی ممنوع است. همچنین مجازات حبس ابد باید لغو شود.

از "یک دنیای بهتر" برنامه حزب کمونیست کارگری

زردها، سرخها، تایلد

به ...
سیامک بهاری

از صفحه ۱



مناطق کلیدی مانند پی نی پارك، بزرگترین مراکز خرید شهر بانکوک و ساختمان تلویزیون کانال سه تایلد و دفتر مرکزی Thaiacom مجدداً به تصرف نیروهای ارتش و گارد ضد شورش درآمد. طی درگیری های اخیر دست کم پنجاه نفر کشته و نزدیک به هزار نفر مجروح شدند. کشتاری که از کودتای ۱۹۹۲ به این سو در تایلد بی سابقه بوده است. دولت شبه نظامی تایلد، با اعلام وضعیت اضطراری و برقراری حکومت نظامی در بیست استان کشور و بازداشت گسترده مخالفان و تعطیلی و فیلتر کردن بیش از سی سایت اینترنتی که محلی برای نشر اخبار روزانه اعتراضات بود، موقتاً اوضاع را در کنترل خود دارد. گسترش تنش های عمیق سیاسی و اعتراضات وسیع اجتماعی مردم تایلد علیه وضع موجود طی پنج ساله اخیر ابعاد متنوع و پیچیده تری بخود گرفته است، با پیشروی رادیکالیسم اعتراضی، صف بندیهای سیاسی شفافتر و مطالبات صریح مردم محروم با وضوح بیشتری نمایان میشود. دولت مخالفین را تروریست می نامد و مخالفان، دولت را نه تنها فاقد مشروعیت سیاسی و حاصل کودتا و زد و بند اشرافیت فاسد و میلیتاریسم حاکم که نیرویی وحشی و سرکوبگر درمقابل خواستهای بحق خود می بیند. ماشین عظیم تبلیغاتی و دستگاه دروغ پراکنی غرب برای مهار وضع موجود و نجات نظام سرمایه داری تایلد در همراهی با دستگاه حکومتی، وظیفه رتوش اخبار و وارونه کردن حقایق مبارزاتی مردم تایلد و ساختن تصویری مخدوش از مبارزه ای جدی، گسترده و سراسری را عهده دار شده است. مشخصاً سرمایه داری غرب نگران وضعیت نابسامان سیاسی تایلد است. منافع جدی هزاران شرکت تجاری و صنعتی با سرمایه گذارهای وسیع که اساساً سو بار بر کرده نیروی کار فوق ارزان در تایلد است، حکومتی مطیع و همسو با سیاستهای سرمایه داری غرب که تعادل خود را از دست داده است و تردید در کارایی ماشین سرکوبی که فضای امن برای گردش سرمایه را تامین کند، از دغدغه های جدی غرب در رابطه با وضعیت بحرانی تایلد است. بنا به گزارش موسسات

هواپیمای بوئینگ با رگیری کردند و به مقصدی در اروپا منتقل نمودند. او اینک ساکن کشور مونتنگروست و با سرمایه گذاری عظیمی که در این کشور کرده است در امنیت کامل بسر میبرد. وی در کمین بازگشت به منصب از دست رفته اش و جلب توجه سرمایه داری غرب به راه گلهایش برای تخفیف بحران کنونی تایلد تلاش میکند. جنگ قدرت و اختلافات اقتصادی بر سر تصرف بخشهایی از بازار سوداگری تایلد و نیز روش اداره کشور برای تامین منافع سرمایه موضوع اصلی مشاجره و تنش در سطح بالای حاکمیت است. تنش در تمام سطوح سیاسی و نظامی دیده میشود، اصلاحات اجتماعی نازل در دوران صادرات تاکسین، اساساً برای مرحم گذاشتن بر زخمی بود که امروز سرباز کرده است. اصلاحات سطحی و بسیار نازلی که خشم اشرافیت حاکم را بجوش آورد و با انحلال حزب او و به زیر سوال بردن صحت انتخابات در سال ۲۰۰۶ او را از دایره قدرت کنار زدند! انتخاباتی که در موقع خودش با تحریم وی اعتنایی وسیع مردم روبرو شده بود. وی مغضوب حکومتی است که خود از استوانه های اصلی اش بوده است.

آنچه امروز صحنه سیاسی تایلد را چنین پر تنش کرده است و کشور را در آستانه تحولات بنیادی قرار داده است، اعتراض جدی به وضعیت فلاکت بار اقتصادی مردم بر بستر ادامه بحران اقتصادی سرمایه داری جهانی است که کشورهای جنوب شرقی آسیا از جمله تایلد را به لرزه در آورده است.

شکاف در دستگاه هیئت حاکمه تایلد تحت همین شرایط عمیقتر میشود، اعتراضات وسیع مردمی اختلافات درون حکومتی را آشکارتر از پیش علنی می کند. ژنرالها به مخالفت با هم برخاسته اند. برای کسب مشروعیت مردمی به جمعیت معترض می پیوندند، جنگ داخلی چهره خود را بیشتر علنی میکنند، نه فقط در بانکوک که در بسیاری از شهرهای بزرگ تایلد، وضع به همین منوال است.

سرمایه داری غرب برای حل این بحران با آلترناتیو سازی و مقابله با مطالبات رادیکال مردم که خواهان تحولات بنیادی و دگرگونیهای گسترده سیاسی و اجتماعی هستند، حاضر به هموار کردن بازگشت تاکسین و کج کردن مسیر تند اعتراضات مردم شد.

مسیر مذاکره با مخالفین خودی و مشخصاً حزب منحل شده تاکسین و هوادارانش که نوعاً جایگاهی در دستگاه حکومتی دارند باز شد. مقابله با مردمی که در صدر خواسته هایشان بهبود شرایط زندگی و برخورداری از امنیت و رفاه نقش بسته است و درخواست انحلال دربار و خاتمه دادن به خاندان پادشاهی "بومیپول آدلادج" پای میفشردند، نه فقط برای دستگاه حکومتی تایلد که برای کل کشورهای منطقه و شرکای غربی شان چالشی حیاتی است. اوجگیری مطالبات مردم، بهبود بودن نمایش مذاکرات و جایجایی قدرت دولتی تحت عنوان انتخابات مجدد و تعطیلی پارلمان که اساساً یک دستگاه تشریفاتی است را هم بخوبی نشان داد. خطرناک بودن چنین بازی سیاسی وقتی مردم برای در هم شکستن بساط این حکومت خیز برداشته اند مسلم بود. تصویر سطحی رسانه ها از زردها و سرخ ها و مطالبات رتوش شده و مخدوشی که به خورد جهانیان میدهند اساساً مخفی کردن موج اعتراض وسیع، ریشه دار و رادیکالیسم قدرتمندی است که دارد وجود خود را علنی تر از هر وقت نمایان می کند. ریشه های این اعتراضی از اعماق جامعه تایلد میجوشد. از کارگاههای و بنادر، از مزارع و بردگی مزدی و نفرت از توحشی که بازار سرمایه داری تایلد به آن شهره است. بیکاری، فلاکت و افلاس عمومی در دل یک کسب و کار پررقت، اکثریت عظیم مردم را بکام خود کشیده است. در تصویر سازی های میدیای بورژوازی، "واجابو" نخست وزیر کنونی و تاکسین نخست وزیر میلیاردر مخلوع، ظاهراً رهبری دو قطب این منازعات جدی اجتماعی اند که یکی دیگری را از حکومتی قانونی خلع کرده و هواداران آنها در این جنگ قدرت به جان هم افتاده اند. در این سناریوی مهندسی شده، سرخ ها هوادارن "تاکسین شیناواترا" هستند و خیابانها را به تصرف در می آورند تا با اعتراض مکرر خود نخست وزیر تبعیدی را بقدرت باز گردانند! حقیقت مبارزه مردم تایلد دقیقاً در تقابل با این مهندسی افکار رسانه های قلم بزمز است! تقابل اصلی، ستیز مردم با طبقه حاکمه و اشرافیت فاسد دولتی و استبداد عریان سرمایه داری حاکم است.

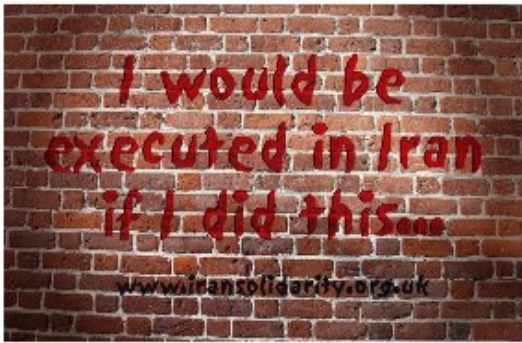
طی پنج سال اخیر مردم معترض تایلد با استفاده از شکافهای حکومتی، مفری برای حضور علنی و

مستقل خود یافته اند. مبارزه ای که هر روز گسترده تر و همه جانبه تر میشود، میلیونها مردم فقیر و کارگران نیمه گرسنه را به خیابانها می کشاند و برای یک زندگی بهتر به اعتراضی سراسری وصل میکنند. اعتراضات از بانکوک به بیش از بیست استان دیگر وسعت یافته است.

فساد دربار سلطنتی و اشرافیت قرون وسطایی، نظام پوسیده آریستوکراسی پادشاهی و سلطه نظامیان مستبد، تبعیض و رشوه خواری، فقر و فلاکت گسترده، مردم را به ستوه آورده است!

وایستگان به دربار سلطنتی اکثر پستهای کلیدی دولتی و نظامی را در اختیار دارند. یکی از مهمترین خواسته های صریح معترضان دقیقاً انقراض دستگاه مفتخور درباری و خاتمه رژیم پادشاهی است که عملاً توسط دستگاه امنیتی، ارتش و نیروهای لباس شخصی و شبه دولتی موسوم به زردها سرپا نگهداشته شده است. ژنرالهای ارتش برای نشان دادن وفاداری خود به دستگاه سلطنت و حفظ این لاشه متعفن، اعلام کرده اند که هرگونه مخالفت علیه شاه و دربار، جرم جنایی است و مجازات مرگ در پی خواهد داشت. "بومیپول آدلادج" پادشاه بیمار و هشتاد و دو ساله رو بمرگ، سمبل تحمیل حکومتهای نظامی فاسد بر مردم تایلد است و خاندان وی در پی سلسله کودتاهای متوالی با پشتیبانی لجستیک غرب و تضمین حفظ توازن منافع غرب در منطقه آسیای جنوب شرقی بر اریکه قدرت تکیه داده اند.

حزب (UDD) و طرفداران تاکسین، در بطن این اوضاع متحول هیچ چاره ای جز پناه گرفتن در کنار این موج خروشان اعتراضی ندارند. ناچاراً باید خود را همراه سرخها نشان دهند و رسانه های تبلیغی غرب از همین حیل استفاده میکنند و مبارزه سراسری و عظیم مردم را به هواداران تاکسین نسبت میدهند. خروش کارگران در اول ماه مه در تایلد و مفاد قطعنامه آنها مبنی بر ارتقاء امنیت شغلی، توقف روند خصوصی سازی، افزایش فوری دستمزدها و گسترش پوشش بیمه و خدمات اجتماعی و دهها خواست رفاهی دیگر از جمله خواستهای فوری کارگری در اول ماه مه بوده است. که به روشنی حضور رادیکالیسم نوینی در مبارزات جاری را نوید میدهد. آنچه که بیش از هر چیز در این میانه غایب



اگر من اینکار را در ایران می کردم ممکن بود اعدام شوم...

آکسیون و تظاهرات سازمان دهید و یا به آنهایی که سازمان داده شده اند ملحق شوید. ۲۰ ژوئن مخصوصاً روز مهمی است چرا که این روز مصادف است با سالگرد کشته شدن ندا آقا سلطان توسط مزدوران جمهوری اسلامی در روز روشن در یک تظاهرات در تهران. ندا هم مانند فرزند کمانگر و دیگران تنها چیزی که می خواست آزادی بود.

تظاهرات روز ۲۰ ژوئن در لندن از ساعت ۱۴ تا ۱۷ بعد از ظهر خواهد بود. راهپیمایی از میدان ترافالگار بطرف سفارت جمهوری اسلامی خواهد بود.

* اگر می خواهید روی صفحه فیس بوک "اگر من اینکار را در ایران می کردم اعدام می شدم" اعلام کنید که با آن موافق هستید اینجا را کلیک کنید:

<http://www.facebook.com/topic.php?topic=12&uid=107261949318147#!/pages/I-would-be-executed-in-Iran-if-I-did-this/107261949318147?ref=ts>

* از همبستگی با مردم ایران و مطالبات آن با امضای طومار زیر حمایت کنید:

<http://iransolidarity.org.uk/iscommit/iscom186.php?nr=97158834&lang=en>

* برای دریافت اطلاعات بیشتر در مورد اعدامهای ۹ مه اینجا را کلیک کنید:

<http://iransolidarity.blogspot.com/2010/05/heartwrenching-interview-with-lawyer-of.html>

<http://iransolidarity.blogspot.com/2010/05/update-on-may-9-executions.html>

* برای منابع در مورد مجازات اعدام

* و در روز ۲۰ ماه ژوئن هر جا که هستید با تمام قوا به خیابان بیابید. سعی کنید جایی که زندگی می کنید

را نداشتیم که در جایی دیگر از دنیا متولد شده باشیم. پس چکار باید کرد؟

مادر فرزند کمانگر اخیراً خطاب به مردم دنیا گفته است "اگر هر کسی هر کاری از دستش بر می آید لطفاً حتماً اینکار را بکند. نگذارید جوانها را قتل عام کنند. شما و همه دنیا سپردگاری من خواهید بود."

برای خیلیها که هم اکنون در صف اعدام بخاطر مقابله با این رژیم خونخوار هستند ما باید سپردگاری شویم.

چکار می توانید بکنید؟

* ملحق شوید که علیه اعدامهای پنج نفر از فعالین سیاسی در ۹ مه از هر طریقی که می توانیم اعتراض کنیم. تا همین الان هم اعتراضات زیادی در ایران و در برابر سفارتهای جمهوری اسلامی در بسیاری از کشورهای جهان انجام شده. از جمله این اعتراضات می توان به اعتصاب سراسری و موفقیت آمیز مردم شهرهای کردستان در تاریخ ۱۳ مه اشاره کرد. شما می توانید در تظاهراتی که در شهرتان سازمان داده می شوند شرکت کنید یا اینکه این اطلاعات را به دست دیگران هم برسانید و از دوستانتان بخواهید از این اقدام حمایت کنند، نامه های اعتراضی بنویسید، برای رسانه ها نامه و مطلب بفرستید، این مسئله را در مراسمها و برنامه هائی که سازمان می دهید و یا در آنها شرکت می کنید و یا در محل کارتان در مدرسه اتان و یا در محلاتان مطرح کنید. هر جا که می توانید اقداماتی در همبستگی با مردم ایران انجام دهید. داوطلب شوید و از تواناییها و مهارتهایتان برای جلب افکار عمومی و ترجمه مطالب و جمع آوری کمک مالی استفاده کنید.

درخواست کنید که ایران از سازمان ملل و سازمان جهانی کار و دیگر نهادهای بین المللی اخراج شود. بسته شدن سفارتها و کنسولگریهای جمهوری اسلامی را هر جا که هستید مطالبه کنید. و پایان دادن فوری به اعدام در ایران و هر جای دیگر دنیا را بخواهید.

* جرم جنسی مانند زنا و همجنس گرایی

* جرائم علیه دولت و مذهب از جمله محاربه با خدا، مفسد فی الارض، ارتداد، کفر گوئی و اظهار نظر علیه مذهب

* کارهایی که تحت قوانین شریعت ممنوع هستند مواردی مانند: نوشیدن الکل بعد از سه بار محکومیت به این خاطر، جرائم اخلاقی مانند پخش و توزیع فیلمهای پورنوگرافی، جرائم مربوط به اخلاق در نظم عمومی و جرائم مربوط به اعتیاد و یا داشتن مواد مخدر.

همانطور که گفته من و شما هم به آسانی می توانستیم در لیست این اعدامها باشیم اگر این خوش شانس

همه ما عاشق شده ایم، آنچه در ذهنمان است به زبان آورده ایم، در تظاهراتی شرکت کرده ایم، به گروه سیاسی و یا کمپین خاصی پیوسته ایم، آنچه را که تابو محسوب می شود به سخره گرفته ایم و از اعتقادانمان دفاع کرده ایم.

تنها فرقی این است بسته به اینکه کجای دنیا متولد شده باشیم، بعضی از ما زنده نخواهیم ماند که در مورد این کارهایی که کرده ایم صحبت کنیم.

احتمالاً شنیده اید که در تاریخ ۹ ماه مه ۲۰۱۰ چهار مرد و یک زن جوان که توسط جمهوری اسلامی ایران به اتهامات واهی و نادرست دستگیر و بعد از مدتها شکنجه و اذیت و آزار آنها را در بیادگاههایشان به جرم محاربه با خدا محکوم کرده بودند، اعدام شدند. این اعدامها مخفیانه و بدون اطلاع قبلی خانواده ها و یا وکلایشان صورت گرفت. به فرزند کمانگر معلم ۳۵ ساله، علی حیدریان، فرهاد وکیلی، شیرین علم هولی و مهدی اسلامیان حتی این فرصت داده نشد که به خانواده هایشان زنگ بزنند و خداحافظی کنند.

متأسفانه این اعدامها تازه نیستند. جمهوری اسلامی ایران در رده های اول اعدام در جهان است و تنها دولتی است که همچنان به اعدام کودکان ادامه می دهد.

از ۱۳۰ نوع جرمی که در ایران ممکن است منجر به مجازات اعدام شوند به چند نمونه زیر می توان اشاره کرد:

* جرائم جنسی مانند زنا و همجنس گرایی

* جرائم علیه دولت و مذهب از جمله محاربه با خدا، مفسد فی الارض، ارتداد، کفر گوئی و اظهار نظر علیه مذهب

* کارهایی که تحت قوانین شریعت ممنوع هستند مواردی مانند: نوشیدن الکل بعد از سه بار محکومیت به این خاطر، جرائم اخلاقی مانند پخش و توزیع فیلمهای پورنوگرافی، جرائم مربوط به اخلاق در نظم عمومی و جرائم مربوط به اعتیاد و یا داشتن مواد مخدر.

همانطور که گفته من و شما هم به آسانی می توانستیم در لیست این اعدامها باشیم اگر این خوش شانس

en/2090en.html

برای اطلاعات بیشتر با مریم نمازی تماس بگیرید:

BM Box 2387, London
WC1N 3XX, UK
Tel: +44 (0) 7719166731
iransolidaritynow@gmail.com
www.iransolidarity.org.uk

اس با مریم نمازی

<http://www.ipsnews.net/news.asp?idnews=44939>

مجازات اعدام شنیع ترین شکل قتل عمد، مصاحبه خاوران با منصور حکمت

<http://hekmat.public-archive.net/>

اعتراض کارگران پتروشیمی کارون در ماهشهر به تحمیل کار اضافه

جمله حراست و مسئول امور اداری همچنان ادامه داشته است و کارکنان تولید پس از تجمع در ۲۹ اردیبهشت ماه از انجام کار اضافی سر باز زده و متحدانه و مصرانه بر خواست خود پای فشرده اند.

حزب کمونیست کارگری از اعتراض کارگران پتروشیمی کارون قاطعانه حمایت می کند و همه کارگران این کارخانه، اعم از قراردادی و دائم را به مبارزه ای متحد و قدرتمند تا رسیدن به خواستهای خود فرامی خواند. حزب از کلیه کارگران و اعضای خانواده هایشان و کارگران سایر مراکز کارگری می خواهد که متحد و یکپارچه در مقابل اجحاف و زورگوئی علیه کارگران بایستند.

آزادی، برابری، حکومت کارگری مرگ بر جمهوری اسلامی زنده باد جمهوری سوسیالیستی حزب کمونیست کارگری ایران ۲۷ مه ۲۰۱۰، ۶ خرداد ۱۳۸۹

بنا بر خبری که در سایت اتحادیه آزاد کارگران ایران درج شده است، بخشی از کارگران پتروشیمی کارون در ماهشهر به تحمیل کار اضافه از سوی مدیریت اعتراض کرده اند. از مدتی قبل مدیریت بجای استخدام نیروی جدید، کار مشکل و مهم نمونه گیری از مواد شیمیائی که در این پتروشیمی بسیار خطرناک هم هست (فرایند تولید ماده سرطانزای ایزوسیاناتها) را بدون پرداخت دستمزد اضافی به عهده کارکنان قسمت بهره برداری انداخت. در اعتراض به این زورگوئی و سوء استفاده آشکار، روز چهارشنبه ۲۹ اردیبهشت ماه حدود ساعت ۱۲ ظهر کارگران شیفت های صبح و عصر و شب در مقابل دفتر این پتروشیمی اجتماع کرده و از رفتن به سر کار خودداری کردند. بنا به این گزارش بدنبال این تجمع، کشمکش های بین این بخش از کارکنان تولید با مدیریت و نیروهای وابسته به آن از

زردها، سرخها، تایلند به ...

از صفحه ۸

کمونیست نمیتواند باشد را ایجاد کند تا بتواند آلترناتیو سیاسی برای کسب قدرت و به زیر کشیدن ماشین دیکتاتوری کنونی باشد. این روندی است که جهان متمدن با نگرانی خود را در آن شریک میداند.

است، حزبی است که بتواند اعتراضات وسیع کارگری و مطالبات فوری میلیونی مردم محروم و تحت ستم تایلند را رهبری و نمایندگی کند. مبارزات مردم تایلند در مسیر خود باید چنین حزبی که جز یک حزب

اعتصاب در صنایع فلزی شماره یک

بنا به خبری که روز ۲۹ اردیبهشت ماه در سایت "اتحادیه آزاد کارگران ایران" درج شده است، اعتصاب و تجمع کارگران صنایع فلزی شماره یک (شرکت مصنوعات زرین تهران) که از روز ۲۲ اردیبهشت ماه ۸۹ شروع شده است همچنان ادامه دارد و کارگران ضمن تدام اعتصاب خود، دست به تجمع در محوطه کارخانه زده و خواهان رسیدگی به مطالبات خود شدند. این کارگران دستمزدهای خرداد، تیر، بهممن و اسفند سال گذشته و همچنین فروردین و اردیبهشت امسال خود را دریافت نکرده اند و این کارخانه مدتهاست با ۲۰ درصد مواد اولیه مورد نیاز همیشگی خود مشغول تولید است. کارگران با نصب دو پلاکارد بر روی نرده های کارخانه مشرف به خیابان صنایع فلزی نوشته اند: "ما کارگران خواهان کار و دستمزدهایمان هستیم".

بنا بر این خبر، پس از تجمع اعتراضی کارگران در محوطه کارخانه در روز ۲۶ اردیبهشت ماه، نماینده هایی از اداره کار اسلامشهر و پلیس امنیت در محل کارخانه حاضر شدند و با شرکت مدیر کارخانه و نماینده های کارگران جلسه ای

زمان روشن شدن تکلیف خود همچنان به اعتصاب ادامه خواهند داد.

بنا به آخرین خبر دریافتی، نماینده های کارگران روز ۲۸ اردیبهشت به استانداری تهران مراجعه کرده و خواهان رسیدگی به خواسته های خود شدند. مسئولین استانداری نیز به کارگران وعده دادند یکشنبه آینده با برگزاری جلسه ای به این امر رسیدگی خواهند کرد. کارگران نیز در همان روز مدیر تولید این کارخانه را از کارخانه بیرون کرده و حاضر به برداشتن پلاکاردهای خود از روی نرده های کارخانه نشده اند و روز ۲۹ اردیبهشت اعلام کردند تا رسیدگی به مطالباتشان به اعتصاب خود ادامه خواهند داد.

حزب کمونیست کارگری از اعتصاب و تجمع کارگران صنایع فلزی شماره یک قاطعانه حمایت می کند و کارگران را فرامیخواند که با برگزاری مداوم مجمع عمومی و ایجاد تشکل کارگری، اتحاد خود را مستحکم تر کنند و به شیوه ای سازمان یافته حمایت مراکز کارگری دیگر را از اعتراض بحق خود جلب کنند. حضور خانواده های کارگری در



کارگران کارخانه گندله سازی سیرجان اعتصاب کردند

داشتن شغل مناسب و دستمزد مکفی حق همه مردم است سازی ها بایستند و خواهان بازگشت به کار کلیه کارگران اخراجی گندله سازی شوند. اعتراض به بیکارسازی کارگران باید با عکس العمل همه مردم آزادیخواه مواجه شود. در مقابل جهنم فقر و بیکاری و محرومیت هائی که جمهوری اسلامی به اکثریت عظیم مردم تحمیل کرده است باید یکپارچه دست به اعتراض زد. حکومتی که نمیتواند جوابگوی این خواست های بحق و اولیه مردم باشد باید گوش را کم کند.

آزادی، برابری، حکومت کارگری
مرگ بر جمهوری اسلامی
زنده باد جمهوری سوسیالیستی
حزب کمونیست کارگری ایران
۲۵ مه ۲۰۱۰، ۴ خرداد ۱۳۸۹

تجمعات کارگران و جلب حمایت و همستگی سایر مراکز کارگری و مردم آزادیخواه عامل مهمی در عقب راندن کارفرما و ادارات و ارگانهای دولتی خواهد بود. حزب از همه کارگران و همه مردم میخواهد که از اعتصاب کارگران صنایع فلزی

اخراج محمد حیدری و قربان علیپور از اعضای هیئت مدیره سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه

بنا به گزارشی که روز ۵ خردادماه منتشر شده است، هیئت تشخیص اداره کار شوش، رأی به اخراج دو تن از اعضای هیئت مدیره سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه، قربان علیپور و محمد حیدری داد. قربان علیپور و محمد حیدری سال گذشته بدنبال فعالیتهای کارگری به زندان محکوم شدند و از سوی کارفرمای نیشکر هفت تپه در تاریخ ۱۶ مهرماه از کار خود اخراج شدند. این دو تن پس از این حکم از جانب کارفرما، شکایتی را به اداره کار شوش تسلیم کردند که نهایتاً هیئت تشخیص این اداره روز ۵ خردادماه اخراج آنها را از طرف کارفرما تأیید کرد.

روشن است که اخراج این دو فعال کارگری، ادامه جنگ رژیم با کارگران مبارز این کارخانه و به قصد در هم

کاهش دستمزد کارگران شرکت مخابرات لرستان یک جنایت آشکار است!

هشدار به همه کارگران و کارمندان در سراسر کشور: این یک جنایت است و باید در نطفه خفه شود

خانواده هایشان را به اعتراض یکپارچه و قدرتمند فرامیخواند. این تصمیم باید فوراً ملغی شود. حزب همه مردم شریف و آزاده لرستان را به تماس گرفتن با کارکنان مخابرات، حمایت فعال از آنها و شرکت در تجمعات اعتراضی آنها فرامیخواند. این مساله به همه کارگران و کارکنان زحمتکش ادارات در لرستان و در سراسر کشور مربوط است. موفقیت هیئت مدیره مخابرات لرستان، راه را بر سایر هیئت مدیره ها و کارفرمایان یعنی این قشر انگل و مفتخور جامعه برای تعرض به چندرغاز دستمزدها و حقوقها باز میکند و باید با اعتراض همه مردم در سراسر کشور مواجه شود و در نطفه خفه گردد.

آزادی، برابری، حکومت کارگری

مرگ بر جمهوری اسلامی

زنده باد جمهوری سوسیالیستی

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۵ مه ۲۰۱۰، ۴ خرداد ۱۳۸۹

در روز روشن مورد دستبرد قرار میگیرد. و این جنایت فقط و فقط به پشتوانه نیروی سرکوب یک حکومت جنایتکار صورت میگیرد. حکومت یک مشت دزد و چپاولگر که مبارزه کارگر علیه همین احجافات و دزدیها و قلداری ها و سوء استفاده های آشکار را سرکوب میکنند و حق اعتراض و تشکل را در قوانین ارتجاعی اش ممنوع کرده است. تنها راه، پایان دادن به بساط این حکومت، به بایگانی سپردن کل قوانین آن، درهم شکستن نیروهای سرکوب آن و برچیدن بساط استثمار و نابرابری و فقر و محرومیت است. انقلاب مردم ایران برای تحقق همین اهداف است و روزی که بساط این جنایتکاران در هم پیچیده شود دور نیست.

حزب کمونیست کارگری اقدام

جنایتکارانه هیئت مدیره شرکت

مخابرات لرستان را شدید محکوم

میکند و همه کارگران این کارخانه و

بنا به خبری که ایلنا، خبرگزاری کار جمهوری اسلامی، روز ۴ خردادماه منتشر کرده است، هیأت مدیره شرکت مخابرات لرستان با صدور بخشنامه ای تصمیم به کاهش دستمزد کارکنان این شرکت از ماه خرداد کرده است. قرار است دستمزد چندرغاز کارگران را به میزان ۱۵ درصد کمتر از تعرفه های سال ۸۸ محاسبه و پرداخت کنند. گفته می شود که این تصمیم با هدف صرفه جویی و کاهش هزینه های اضافی! توسط اعضای هیأت مدیره اتخاذ شده و به همین دلیل از ابتدای هفته جاری تمامی کارکنان به صورت پاره وقت مشغول به کار شده اند. این خبر می افزاید که تعداد این کارگران حداقل ۹۹۹ نفر می باشد که بصورت قراردادی و پیمانکاری مشغول بکار هستند.

این تصمیم یک جنایت آشکار است

که حقوق یک سوم زیر خط فقر مردم

زحمتکش تحت عنوان صرفه جویی و

حکومتی جنایتکار که برای ماندن خود، به سیم آخر زده است.

ادامه میدهد و با این اعدامها یکبار دیگر به همگان گوشزد میکنند که تنها راه رهایی از این دستگاه جنایات "مقدس" واژگون کردن این دستگاه قساوت اسلامی است. آخوندها و دم و دستگاه چپاولگر حاکم می‌خواهند با جنایت و با گروگان گرفتن پیکرهای اعدام شدگان و با نمایش اعدامها بعد از قتل آنها، مردم را بترسانند. غافل از اینکه دیگر کسی از این جنایت پیشگان نمیترسد، غافل از اینکه فرزند کمانگرها با تمسخر کردن جنایتکاران و با تحقیر مرگ و طناب دار، فرمان سرنگون کردن این بساط وحشیگری را میدهند و پیام آنها از سوی مردم ایران و جهان شنیده میشود و به پاس احترام به آنها، در ایران و در دنیا میلیونها نفر به پا می‌خیزند.

حکومت اسلامی با همه دستگاه چپاول و جنایت و وحشیگریش به قرون وسطی تعلق دارد و باید فوراً سرنگون شود. پاسخ ما به این وقاحت و وحشیگری بی حد و حصر اینست: حکومت اعدام سرنگون!

کمیته بین المللی علیه اعدام
۳ خرداد ۱۳۸۹ ۲۴ ماه مه ۲۰۱۰

هستند.

مرگ بر جمهوری اسلامی
زنده باد حکومت انسانی
سازمان جوانان کمونیست
۴ خرداد ۸۸

همه کارگران و همه مردم میخواهد که از اعتصاب کارگران کارخانه کیان تایر حمایت کنند و به هر طریق ممکن به آنان یاری رسانند.

آزادی، برابری، حکومت کارگری

مرگ بر جمهوری اسلامی

زنده باد جمهوری سوسیالیستی

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۷ مه ۲۰۱۰، ۶ خرداد ۱۳۸۹

امروز در رسانه هایشان این عکس را منتشر کرده (عکس به دار آویختن عبدالحمید ریگی) و از زبان حجت الاسلامان ابراهیم حمیدی گفته اند که عبدالحمید ریگی مفسد فی الارض بوده و امروز صبح دوشنبه سه خرداد ۱۳۸۹ در زندان زاهدان او را کشته اند. عکسهایی که باید به قرون وسطی تعلق میداشت. عکسهایی که با دیدن آنها قلب هر انسانی از انزجار و نفرت علیه این جانپان لبریز میشود.

این حکومت اسلامی است! از روز اول چنین بوده و اینها همیشه با جنایت نفس کشیده و ادامه حیات داده اند و امروز هم با جنایت از موجودیت کثیف خود دفاع میکنند. تنها در سال ۲۰۰۹ این جلادان ۳۸۸ نفر را اعدام کردند. در چند ماه اخیر به اعدامها شدت بیشتری بخشیده اند برای اینکه میلیونها نفر بر علیه این حکومت اعدام به پا خاسته و فریاد مرگ بر حکومت اسلامی سر داده اند.

جمهوری جنایت اسلامی با اعدام فرزند کمانگر و چهار هم‌رمز او در ۹ ماه مه ۲۰۰۸ و اعدام یک نفر در اهواز در ملاعام در روز شنبه اول خرداد ماه، به جنایات و خونریزی مسئولیت مرگ غلامرضا مستقیماً به عهده مسئولین دانشگاه آزاد ماهشهر و بسیج دانشجویی این دانشگاه می باشد و دانشجویان خواهان معرفی مسئولین و پیگیری حادثه دلخراش مرگ غلامرضا

کنند و به شیوه ای سازمان یافته حمایت مراکز کارگری دیگر را از اعتراض بحق خود جلب کنند. حضور خانواده های کارگری در تجمعات کارگران و جلب حمایت و همبستگی سایر مراکز کارگری و مردم آزادیخواه عامل مهمی در عقب راندن کارفرما و ادارات و ارگانهای دولتی خواهد بود. حزب از

اسلامی قرار دارند. به این جنایات حکومت اسلامی باید متحذانه و وسیعتر از قبل اعتراض کرد.

کمیته بین المللی علیه اعدام همه مردم در ایران و در سراسر جهان دعوت میکند که علیه این حکومت مستاصل و درمانده که برای ادامه حیات ننگین اش به اعدامهای بیشتر فعالین سیاسی و مردم معترض روی آورده است، اعتراض کنند. ما باید دنیا را بر سر جنایتکاران اسلامی خراب کنیم. هیچ سفارت خانه و مرکز جاسوسی رژیم اسلامی نباید از دست اعتراضات ما در امان باشد. تظاهرات و اعمال فشار به دوول اروپایی و نهادهای بین المللی برای تحت فشار گذاشتن جمهوری اسلامی در روزهای آتی باید گسترش بیشتری بگیرد. به اعدامها در ایران اعتراض کنید!

کمیته بین المللی علیه اعدام
۲۷ ماه مه ۲۰۱۰

مرگ دلخراش دانشجوی ماهشهر در نمایشگاه بسیج دانشجویی

دانشگاه را تعطیل کرده اند. مسئولین دانشگاه از وحشت اعتراضات دانشجویان در آستانه خرداد ماه سالروز قیام مردم و همچنین همزمان با حضور احمدی نژاد در خرمشهر دانشگاه را تعطیل کرده اند. سازمان جوانان کمونیست مرگ غلامرضا را به خانواده و دوستان و همکلاسی های او تسلیت می گوید.

ادامه خواهند داد و درباره چگونگی پیشبرد اعتراضات خود تصمیم گیری خواهند کرد. کارگران کارخانه کیان تایر در حال حاضر دستمزدهای فروردین و اردیبهشت ماه خود را دریافت نکرده اند و فقط ۴۰۰ هزار تومان بابت مطالبات بهمین و اسفند سال گذشته و آنها هم با اعتراضات مداوم خود، دریافت کرده اند.

حزب کمونیست کارگری از اعتصاب کارگران کارخانه کیان تایر قاطعانه حمایت می کند و آنها را فرامیخواند که با برگزاری مداوم مجمع عمومی و ایجاد تشکل کارگری، اتحاد خود را مستحکم تر

ماشین جنایت حکومت اسلامی، از حرکت نمی ایستد! اعدام حداقل نه نفر در یک هفته

حاکمین جنایت پیشه، به اعدامهای مخفیانه روی آورده اند. خطر اجرای حکم اعدام حبیب اله لطیفی بسیار زیاد است. حکومت اسلامی تاریخ اجرای حکم اعدام حبیب الله لطیفی را ۱۷ خرداد اعلام کرده است. خطر اعدام فوری پنج نفر به اتهام "همکاری با سازمان مجاهدین" فوق العاده بالا است و باید برای نجات آنها و همچنین زینب جلالیان، حبیب الله لطیفی، شیرکو معارفی، رستم ارکیا، حسین خضری، انور رستمی، محمد امین عبداللهی، قادر محمد زاده، مصطفی سلیمی، حسن طلعی، ایرج محمدی، رشید اخکندی، محمد امین اگوشی، احمد پولادخانی، سید سمی حسینی، سید جمال محمدی، عزیز محمد زاده و حبیب الله گل پری فوراً کاری کرد. علاوه بر اینها یک ایرانی شهروند کانادا که بعد از سفر به ایران دستگیر و محکوم به اعدام شده است و تعداد دیگری در لیست اعدامهای حکومت

خبر اعدام پنج نفر در رشت، دو نفر در زاهدان، دو نفر در اهواز ... و زمینه سازی برای اعدام چندین نفر در هفته آینده اخبار جنایات حکومت اسلامی است! طبق اخباری که این روزها در شهر رشت منتشر شده، جمهوری اسلامی ایران چهار مرد و یک زن را در سرحگاه دوشنبه در شهر رشت اعدام کرد. هنوز مقامات حکومت اسلامی در شهر و استان و همچنین در سطح مرکز این خبر را منعکس نکرده اند. حکومت اسلامی از موج اعتراضات گسترده بر علیه اعدامها و بویژه اعتراضات گسترده بین المللی علیه اعدام فعالین سیاسی وحشت دارد و به اعدام مخفیانه جوانان و دستگیرشدگان حرکات اعتراضی اخیر مردم رو آورده است. بعد از اعدام فرزند کمانگر و چهار فعال سیاسی هم‌رمز او، با دیدن اعتراضات گسترده بین المللی و اعتصاب عمومی در کردستان،

دانشگاه که به علت معلولیت جسمانی روی صندلی چرخدار بود نتوانست از محل حادثه نجات پیدا کند و متأسفانه جان باخت. دانشجویان که از این حادثه به شدت خشمگین شده اند دست به اعتراض و برپایی تجمع اعتراضی زدند که با سرکوب شدید حراست مواجه شدند. مسئولین دانشگاه برای نپزیرفتن مسئولیت مرگ این دانشجوی آرام کردن فضای دانشگاه تا اطلاع ثانوی

اعتصاب کارگران کیان تایر

صورت اعتراض، کارخانه را خواهد بست. این تهدید باعث واکنش متقابل کارگران شد و کارفرمای جدید شروع به توهین به کارگران می کند که این امر باعث خشم کارگران می شود بطوری که کارفرما با مشاهده خشم کارگران بسرعت کارخانه را ترک می کند. کارگران شیفت بعدازظهر یز ساعت ۵ بعدازظهر کار را می خوابانند و کارگران شیفت شب یز به اعتصاب می پیوندند. کارگران اعلام می کنند که اعتصاب خود را روز ۶ خردادماه

بنا به اخبار منتشر شده، کارگران کیان تایر از ساعت ۵ بعدازظهر روز ۵ خردادماه در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدهای خود دست به اعتصاب زدند. این خبر می افزاید که نصب اعلامی بر تابلوی کارخانه توسط مدیریت جدید در باره دستمزدهای پرداخت نشده کارگران، باعث زمزمه اعتراض در بین کارگران شد. بدنبال این مسئله، کارفرمای جدید کارخانه به قسمتهای مختلف کارخانه سر می زند و کارگران را تهدید می کند که در

زنده باد انقلاب انسانی، برای حکومت انسانی!

یک دنیای بهتر بر نامه حزب را بخوانید

و در سطح وسیع توزیع کنید

پیام دوم مادر فرزند کمانگر



این پیام اولین بار در مراسم گرامیداشت یاد فرزند و شیرین و مهدی و علی و فرهاد روز یکشنبه ۲۳ ماه می در شهر فرانکفورت آلمان قرائت شد.

متن پیام:

با سلام به همه انسانهای آزادیخواه در سراسر جهان که در طول این دو هفته صدای ما را در جهان پخش کردند. من از همه رادیوها، تلویزیونها از همه احزاب و سازمانها و گروهها، از همه سازمانهای مدافع حقوق بشر از همه انسانهایی که بهر شیوه در این مدت ما را یاری کرده و یاری دهنده بودند، تشکر میکنم. امروز من مثل همیشه از آنها خواهش میکنم، از همه آنها تمنا دارم که بفکر زندانیان سیاسی باشند. نگذارند که مادران دیگری داغدار شوند. دیگر بس است! نگذارند که مادران دیگر جگر گوشه هایشان را از دست بدهند.

من فرزند را از دست دادم. اما نمیخواهم هیچ مادر دیگری، هیچ خانواده دیگری عزیزانشان را از دست

سنگین، دعوای داخلی و دزدی و فساد بی حد و حساب در بین سران سپاه، آن را در هم خواهد شکست. فردیاشیده شدن این تنها مرکز قدرت رژیم به معنای مرگ حتمی آن است. این غول اگر چه بر زندگی اقتصاد و سیاست ایران حاکم شده است اما در چنبره بحرانها و تناقضات خود گرفتار است. قبل از اینکه این حساب خودش بترکد، مبارزات رو به گسترش کارگری و جنبش انقلابی مردم که نزدیک به یک سال است ادامه دارد، شاخ این غول را خواهد شکست و بساطش را از این دنیا جمع خواهد کرد. *

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر: کاظم نیکخواه

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود

MURDERED!



سازمان جهانی کار (آی ال او)

تلفن تماس: آرش مهدی نژاد
۰۰۴۱۷۶۳۰۶۰۷۲۳

کارگر زندانی، زندانی سیاسی آزاد باید گردد!

جمهوری اسلامی ایران باید از آی ال او اخراج گردد!

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران
۲۵ مه ۲۰۱۰

هستند که هر کدام صدها شعبه در ایران دارند و منابع وسیع مالی در اختیار گرفته اند. چنگ انداختن بر صنایع نفتی و امکانات دولتی منبع عظیمی برای چپاولگری و پرکردن حساب های بانکی سران سپاه و آیت الله های میلیاردر است. پائین آمدن قیمت نفت از سوئی و افزایش تحریم های اقتصادی در مورد ایران موجب شد که بسیاری از شرکت های سرمایه گذاری خارجی خود را از منطقه کنار کشیدند. هزینه بازسازی جاههای رها شده و به اصطلاح زخم خورده چهارصد میلیارد تخمین زده می شود. نتایج بحران و ناتوانی سپاه در پیشبرد پروژه ها خود را در بیکارسازی های گسترده نشان داده است. رئیس خانه کارگر پوشهر اعلام کرده است که در مدت چهار سال ۵۲ هزار نفر از مجموع ۶۰۰۰۰ کارگران منطقه پارس جنوبی بیکار شده اند. به گفته وی منطقه پارس جنوبی تابع قوانین منطقه آزاد شده است و همین باعث شده که هر وقت خواستند کارگران را اخراج کنند در حالی که به آنان بیمه بیکاری و سنوات تعلق نگیرد. نظامی کردن منطقه و سپردن آن به دست سپاه عامل مهمی برای مقابله با گسترش اعتراضات کارگری و پنهان نگاهداشتن وضعیت مالی رژیم بود.

در حال حاضر دهها هزار کارگر در شرکت های مختلف وابسته به سپاه پاسداران با حداقل دستمزد و سخت ترین شرایط و بدون هیچ امنیت شغلی مشغول به کار هستند. نظامی بودن فضای کار دست زدن به اعتراضات

تظاهرات در ژنو در همبستگی با مبارزات کارگران

و جنبش انقلابی مردم چهارشنبه ۲ ژوئن از ساعت ۱ بعد از ظهر

ایران در آی ال او حضور یابند. رژیم اسلامی ایران، بخاطر سرکوب کارگران و تحمیل بیحقوقی مطلق به آنها، باید از آی ال او اخراج گردد.

در حمایت از مبارزات کارگران و جنبش انقلابی مردم ایران و برای آزادی کارگران زندانی و همه زندانیان سیاسی در این تظاهرات شرکت کنید!

همه مردم آزادیخواه و همچنین سازمان های کارگری را به شرکت در این تظاهرات فرا میخوانیم.

زمان:

چهارشنبه ۲ ژوئن از ساعت ۱۳

محل: ژنو مقابل محل کنفرانس

در همبستگی با مبارزات کارگران و جنبش انقلابی مردم برای تحقق آزادی و برابری، برای اخراج جمهوری اسلامی از سازمان جهانی کار در تظاهرات روز چهارشنبه ۲ ژوئن در مقابل محل کنفرانس سازمان جهانی کار (آی ال او) شرکت کنید!

اجلاس سالانه سازمان جهانی کار (آی ال او) از ۲ ژوئن در ژنو آغاز بکار خواهد کرد. قرار است هیئت نمایندگی رژیم اسلامی ایران و نمایندگان سازمانهای دست ساز آن، همچون سالهای گذشته، در این اجلاس حضور بهم رسانند. نباید اجازه داد سرکوبگران کارگران و مردم

سپاه پاسداران یک مافیای اقتصادی

از صفحه ۱

بهر روز مهر آبادی



کارفرمای ایران تبدیل شده است. قرارگاه خاتم الانبیا شرکتی وابسته به سپاه پاسداران است که بعد از جنگ به دستور علی خامنه ای و همکاری اکبر هاشمی رفسنجانی برای انجام کارهای مقاطعه کاری بوجود آمد. سپاه پاسداران از کمک نامحدود دولتی برخوردار است و حتی از نظر رسمی و اداری و بطور ظاهری هم هیچ حساب و کتاب و نظارتی بر آن وجود ندارد. بودجه سپاه محرمانه است و هیچ گزارشی درباره فعالیت های مالی خود منتشر نمی کند. حتی به دولت و مجلس هم گزارشی نمی دهد و مستقیماً زیر نظر خامنه ای فعالیت می کند. اما فعالیت و رقابت با شرکت های بیمانکاری قدیمی برای سپاه آسان نبود. به همین دلیل در سال ۱۳۸۲ شهرداری تهران به ریاست احمدی نژاد چندین قرارداد را بدون مناقصه به قرارگاه خاتم الانبیا واگذار کرد و پس از آن اکثریت پروژه هایی که در اختیار این موسسه گذاشته شده بدون انجام روال قانونی مربوط به مناقصه ها بوده است. قرار داد پارس جنوبی به ارزش بیش از دو میلیارد دلار، خط لوله انتقال گاز شرق و مرکز ایران به ارزش ۸۵۰ میلیون دلار، خط انتقال گاز از عسلویه به پاکستان به ارزش بیش از دو میلیارد دلار از جمله آنها هستند. حجم پروژه های در دست انجام سپاه پاسداران

به بیش از ۲۵ میلیارد دلار بالغ می شود. دادن پروژه های پرسود دولتی به سپاه بدون انجام مناقصه و استفاده از رانت دولتی بسیاری از شرکتهای بیمانکاری را به ورشکستگی رسانده است. بخش عمده ای از دعوای درون رژیم را باید در تنگ شدن عرصه مالی جناح رفسنجانی و انحصاری شدن غارت و چپاول به جناح خامنه ای و پاسداران دید. قرارگاه خاتم الانبیا در حال حاضر مالک بیش از ۸۰۰ شرکت در زمینه های مختلف است. اکثریت سهام شرکت مخابرات، تراکتور سازی تبریز، شرکت نفتی صدرا، گروه سیگار بهمن، گروه سایپا، پتروشیمی کرمانشاه، شرکت اورینتال اویل و... میباشد. بعضی از این شرکت ها با استفاده از امکانات و پوشش دولتی در قاچاق اسلحه و مواد مخدر به سایر کشورهای جهان نقش داشته اند. سپاه پاسداران نقش اصلی در افتتاح پولشویی داشت که فروردین ماه امسال در بحرین بوجود آمد. با وجود تلاش های زیادی که برای سرپوش گذاشتن روی این ماجرا انجام شد، وزیر کشور بحرین از کار برکنار و برای مدتی بازداشت شد. سپاه پاسداران در زمینه بانکداری هم فعالیت های گسترده ای دارد. موسسه انصار، تعاونی ثامن الائمه از جمله موسسات مالی سپاه